

رفراندوم

پیشکش به تبرستان

www.tabarestan.info

در
ایران

کتابیون پرتوی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

پیشکش به تبرستان

www.tabarestan.info

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info

رفراندم

در

ایران

کتابیون پرتوی

پرتوی، کتابیون، ۱۳۳۳ -

رفراندم در ایران / کتابیون پرتوی. - تهران:

جنگ دانش، ۱۳۷۸.

[۹۶] ص. : جدول.

ISBN: 964 - 91999 - 0 - x

فهرستنويسي بر اساس اطلاعات فিপا.

كتابنامه: ص. [۹۳ - ۹۶] ؛ همچنین به صورت

زيرنويس.

۱. همهپرسی -- ايران -- تاريخ. ۲. همهپرسی

الف. عنوان.

JF ۴۹۷ ۴ ب ۹ الف / ۳۲۸/۲۹۵۵

م ۷۸ - ۱۶۸۳۶

كتابخانه ملي ايران

www.tabarestan.info
www.tabarestan.info



□ رفراندم در ايران

کتابیون پرتوی	:	* مولف
جنگ دانش	:	* ناشر
عروج	:	* چاپ
اول، ۷۸	:	* نوبت چاپ
جلد ۳۰۰	:	* تعداد
تومان	:	* قيمت

شابک: X - ۰ - ۹۱۹۹۹ - ۰ - 964 - 91999 - 0 - ISBN : 964 - 91999 - 0 - X

تقدیم به:

«روان پاک پدر که همیشه عزیزترین یاد است.»

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info

«فهرست مطالب»

۸ - پیشگفتار

فصل اول

۱۴ - پیشینه تاریخی رفاندم
۲۴ - انواع رفاندم
۳۰ - ماهیت حقوقی رفاندم
۳۸ - ماهیت سیاسی رفاندم

فصل دوم

۴۴ - رفاندم در ایران
۴۵ - زمینه‌ها و علل سیاسی برگزاری رفاندم
۶۴ - زمینه‌های سیاسی و اجتماعی برگزاری رفاندم

فصل سوم

۸۲ - رفاندم و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۹۳ - کتابنامه - منابع فارسی و لاتین

پیشگفتار

یکی از مهمترین ویژگی‌های رژیمهای مردمسالار، مشارکت دادن مردم در صورت بندی قدرت و امور عمومی است و اینکه شهروندان یک رژیم هم حق انتخاب کردن نمایندگان و کارگزاران حاکمیت را دارا باشند و هم حق انتخاب شدن به این سمت‌ها را داشته باشند و به همین دلیل است که انتخاب یا برگزینی، از شرایط ولوازم و هم از ابزار تحقق مردمسالاریست. حکومت اکثریت، احترام به اقلیت، همگانی بودن مشارکت از دیگر ویژگی‌های چنین حکومتی است که منتسکیو آنرا عبارت از رژیمی میداند که بر اساس دمکراسی پایه‌گذاری شود و ماهیت آن اینست که همه مردم قدرت را بدست دارند یا خود آنرا اعمال می‌کنند و یا اینکه بوسیله نمایندگان خود به اجرای آن می‌پردازنند، پس اگرچه اعمال حاکمیت مردم مسئله ایجاد دمکراسی مستقیم^(۱) را بدبان می‌آورد اما اعمال دمکراسی مستقیم یعنی نوعی

نظام تصمیم‌گیری درباره مسائل عمومی که شهروندان در آن مستقیماً دخیلند، یعنی حضور همه مردم در اعمال حق حاکمیت خود که بعلت زیادی جمعیت و عدم فراغت شهروندان عملأ میسر نمی‌گردد امروزه بیشتر به افسانه‌ای شبیه است و تنها نمونه‌های موجود در عصر حاضر از این نوع رژیم را می‌توان سه کانتون گلاریس^(۱)، اوونتروالد^(۲) و آپانزل^(۳) در سوئیس^{www.tabarestan.com} گذشت که مردم خود مستقیماً حق حاکمیت خود را با حضور در مجمع عمومی^(۴) مردم که سالی یکبار در یک میدان بزرگ شهر تشکیل می‌شود اعمال می‌کنند. در این مجمع عمومی سالیانه مردم خود مستقیماً قوانین کانتونی را تصویب می‌کنند و عاملان اجرای آنها را در سطح مجریه و قضائیه بر می‌گزینند. اما شیوه دیگر اعمال حاکمیت، از طریق نمایندگان است که به دمکراسی پارلمانی^(۵) شهرت دارد که نوعی نظام حکومتی است شامل "مسئلان منتخب" که در چارچوب "حکومت قانون" نمایندگی منافع و یا دیدگاه‌های شهروندان را بر عهده دارند. این شیوه که بتدریج با تحول فلسفه حاکمیت مردم (souveraineté du peuple) به حاکمیت ملی (souveraineté National) و پس از آن به سوی اعمال غیرمستقیم قدرت متحول شده است و بمرور، دمکراسی‌های پارلمانی یا نمایندگه سalar شکل گرفته است که تحقق این نوع دمکراسی، مستلزم مشارکت همه شهروندان در انتخابات است و یا لاقل بر طبق قانون می‌بايستی این حق به همه شهروندان داده شده باشد.

1- Glaris

2- Unter wald

3- Appenzel

4- Lands Gemeind

5- Representative Democracy.

از یونان باستان تا امروز از دمکراسی سخن بسیار رفته است اما استقبال عمومی از دمکراسی بعنوان شکلی از سازماندهی زندگی سیاسی به کمتر از یکصد سال می‌رسد. امروزه انواع رژیمهای سیاسی از اروپای غربی گرفته تا امریکای لاتین خود را دمکراسی می‌نامند. اگرچه بنظر میرسد دمکراسی در معنای زندگی سیاسی نوین "فضایی از مشروعیت" از طریق فرامین، قوانین، سیاست‌ها و تصمیمات در صورت "demokratic بودن" ایجاد می‌کند اما هنوز بار و معنای آن بر دوش مفهوم "مردم" استوار است. اگرچه تعریف عام "حکومت به وسیله مردم" یعنی معنای مقبول و مورد تصدیق عمومی از تعریف دمکراسی در ظاهر عاری از ابهام بنظر می‌رسد، اما در تحلیلی دقیقتر درباره تعریف و عرصه تعریف و محتوای هر یک از واژه‌های "حکومت" و "مردم" عدم توافق‌های فراوانی بچشم می‌خورد و این عدم توافقها و جدل‌ها تا بدانجا به قرائت‌های متفاوت از معنای دمکراسی راه می‌برد که گوئی معنی دمکراسی هنوز تثبیت نشده است، بویژه ماهیت اصل اقتدار و حاکمیت مردم به این معنا که هر قدرت سیاسی از مردم سرچشمه می‌گیرد از دیدگاه صاحب‌نظران بیشتر محل جدل و بحث بوده است. این پرسشها که چه کسانی را باید "مردم" قلمداد کرد و اعتماد مردم در تفویض قدرت سیاسی تحت چه شرایطی صورت می‌گیرد، آیا تصمیمات مردم در تفویض قدرت حقیقتاً از خودم مردم سرچشمه می‌گیرد، آیا اراده مردم از طریق حکومت‌های منتخب اعمال می‌گردد و آیا اگرچه در تعاریف همیشه مردم ارباب حکومت معرفی می‌شوند عملًا حکومت نیز می‌کنند یا خیر، آیا مردم خود موضوعات را طرح می‌کنند و یا درباره آن تصمیم می‌گیرند، آیا مردم در فرآیند انتخابات، انتخاب کنندگان

حقیقی هستند، آیا در فرایند تصمیم‌گیری و اخذ تصمیمات حکومت، مردم، اراده مردم، خیر یا صلاح عمومی تا چه میزان مستقل از سایر عوامل نقش دارد، آیا اراده مردم در دایرة خواست مردم شکل می‌گیرد... پرسش‌هایی است که هنوز پاسخهای متفاوت دریافت داشته و میدارد.

بهر تقدیر در رژیمهای دمکراتی و مردم سبلار، مردم بعنوان صاحبان اصلی حق حاکمیت بر سرنوشت خویش و مرجع تشخیص و تنفيذ مشروعیت تلقی می‌گردند و رعایت نظر و عقیده اراده عمومی در اعمال حاکمیت از شروط استمرار و تداوم قدرت در دست هیئت حاکمه منتخب مردم بشمار می‌آید، پس مراجعته به آراء مردم و نظرخواهی از آنان در موقع لزوم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، بویژه در شرایط خاص که گاه رژیمهای مراجعة مستقیم به مردم را در پاسخگویی به پرسش، بر شیوه‌های دیگر نظرخواهی ترجیح می‌دهند.

اگرچه پرسش از مردم و اعتنا به گزینش مردم در حکومتها پادشاهی ایران هیچگاه باب نبوده است اما قدرت همیشه پا برگرده مردم بر اریکه استبداد نشسته است. به همین دلیل نیز علیرغم تأکید بر ریشه گرفتن قدرت قوای مملکت از ملت در قانون اساسی مشروطه، در هیچیک از اصول قانون مذکور به مرجعیت ملت بعنوان مرجع سئوال شونده اشاره نرفته است، اما با وجود این در دو مرحله متفاوت تاریخی از رفاندم استفاده شده است.

نوشته حاضر پس از نگاه کوتاهی به پیشینه تاریخی و انواع رفاندم، جایگاه حقوقی و سیاسی رفاندم، زمینه‌ها و علل برگزاری رفاندهای ۱۳۳۲ و ۱۳۴۱ را در ایران مورد بررسی قرار داده و در

بعش آخر نگاهی گذرا به رفراندمهای پس از انقلاب اسلامی خواهد داشت.

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info

پیشینه تاریخی رفرازندم
انواع رفرازندم
ماهیت حقوقی رفرازندم
ماهیت سیاسی رفرازندم

فصل اول

پیشینه تاریخی رفراندم

رفراندم یا همه‌پرسی در لغت نامه‌ها به معنی روش مستقیم مراججه به مردم در حل مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی بجای حل مسائل از طریق نمایندگان در مجلس تعریف شده است.^(۱) بی‌تردید تعریف همه‌پرسی نمی‌تواند جدای از تعریف دمکراسی باشد، شاید به همین دلیل نیز ریشه واژه **Referendum** از واژه یونانی **Demus** و دمکراسی از واژه **Demokrasia** مشتق شده که ریشه‌های آن دو واژه دمو به معنی مردم و کراتئن یا **Cratos** به معنای حکومت کردن است.^(۲)

پریکلس در خطابه معروف خود که به خطابه دفن مشهور است و احتمالاً به اهتمام توسيید تنظیم شده است، در بیان حکومت دمکراسی می‌گوید: "اجازه می‌خواهم اعلام کنم که نظام حکومتی ما از نهادهای همسایگان نسخه برداری نمی‌کند. ما بیش از آنکه به تقلید از

1- Henry campbell Black, M.A., *Black's law Dictionary* (West Publishing Co., Minnesota) 1983, p. 665.

۲- در یونان باستان واژه دموس مفهومی کلی است که جمیعت مذکور و آزاد یک کشور با دولت - شهر را مشخص می‌کند. این جمیعت کل شامل نجبا و اشراف تشکیل **Aristoi** هم شامل مردم عادی می‌دهند. **Pleb** می‌شود که هسته مرکزی آن را شهروندان و کشاورزان بنام **Demos** تشکیل می‌دهند.

دیگران بپردازیم الگویی برای آنها محسوب می‌شویم. قانون اساسی ما دمکراسی نامیده می‌شود زیرا قدرت در دست همه مردم است نه در دست اقلیتی از آنها. هنگامیکه مسئله فرو نشاندن منازعات خصوصی پیش آید همه در مقابل قانون برابرند، هنگامیکه مسئله انتخاب یک نفر در مقابل دیگری برای واگذاری مسئولیتی عمومی مطرح شود آنچه ملاک قرار می‌گیرد توانانی واقعی اوستنده عضویت او در یک طبقه خاص...^(۱)

کیفیت و ماهیت حکومت مردم بر خود که همان مفهوم عام دمکراسی است از دیرباز مانند بسیاری از مفاهیم دیگر محل بحث و جدل فراوان صاحبنظران و اندیشمندان بوده است، چنانچه در ۱۸۵۹ جان استوارت میل نوشت: اکنون دانسته شده است که عبارتهایی چون "حکومت مردم" و "قدرت خلق بر خودشان" وضع حقیقی مورد را بیان نمی‌کنند. "مردم"ی که قدرت را اعمال می‌کنند همیشه همان مردمی نیستند که این قدرت بر آنها اعمال می‌شود. یا والتر لیمپن می‌نویسد:

"... مردم نمی‌توانند به اداره حکومت بپردازنند، نمی‌توانند کاری انجام دهند و معمولاً نمی‌توانند از عده طرح‌بزی و پیشنهاد قوانین لازم برآیند، توده نمی‌تواند حکومت کند". و یا شومپیتر در اثر معروف و کلاسیک خود کاپیتالیسم، سوسیالیسم و دمکراسی بیان می‌کند که مردم هیچگاه عملأً حکومت نمی‌کنند اما بنا به تعاریف همیشه میتوان آنان را ارباب حکومت معرفی کرد.^(۲) و یا ویرکه در رساله

۱- دیویر هلد، مدل‌های دمکراسی، ترجمه عباس مخبر، تهران، انتشارات روشنگران، ۱۳۶۹، ص ۳۳

۲- جی. ا. شومپیتر، کاپیتالیسم، سوسیالیسم و دمکراسی، ترجمه حسن منصور، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۴، ص ۳۱۱.

مشهور خود "سیاست به مثابه یک حرفه" به عاطفی بودن توده‌ها اشاره می‌کند و این ویژگی را مبنای مناسبی برای درک امور عمومی یا قضاوت درباره آنها نمی‌داند. از دیدگاه ویر انتخاب کنندگان عموماً قادر به تشخیص خط مشی‌های مختلف نیستند و فقط میتوانند از میان رهبران ممکن دست به نوعی انتخاب سوزنند. از این رو ویر دمکراسی را به مثابه زمینه‌ای برای محاکم زدن رهبران بالقوه تصویر می‌کند.

اما علیرغم دیدگاههای متفاوت در مورد توانائی، صلاحیت و اهلیت مردم در حکومت برخود، صرفنظر از برخی نظامهای سیاسی و حکومت‌های استثنایی در طول تاریخ که بی محابا برخواست مردم حکومت کرده‌اند و تداوم حاکمیت خود را ارجح بر منافع و حقوق مردم دانسته‌اند، بیشتر حکومتها سعی می‌کنند که در توجیه رفتار و مشروعیت اعمال خود، رعایت اراده و خواست جمع را حاکم بر برنامه‌های خود جلوه دهند و این مسئله شاید نتیجه این تفکر است که شاید اگر اصول و ارکان حکومت بر اساس اعتماد و تأیید مردم بنا شود دوام بیشتری خواهد داشت.

بطور کلی برد مؤثر دمکراسی در هر اجتماعی به وسیله دو عامل قابل سنجش است: ۱- تعداد و ماهیت مواردی که همه اجتماع در تصمیم گرفتن راجع به آن عملًا شرکت دارد. ۲- درجه تأثیر اعضای اجتماع بر تصمیمات که معمولاً به وسیله دستگاههای نظارت غیر مستقیم گرفته می‌شود، یا میزان امکان تغییر آن تصمیمات در صورت تمایل.^(۱)

ردبای سابقه تاریخی استفاده از همه‌پرسی را میتوان در تاریخ

۱- کارل کوهن، دمکراسی، ترجمه فریبرز مجبدی، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۳، ص ۴۹.

یونان قدیم جست، چنانچه ارسسطو در کتاب اصول حکومت آتن اشاره میکند:... بعد از سقوط جباریت بین ایزاگوراس^(۱) پسر تیزاندروس از طرفداران جباران با کلستین یکی از افراد خانواده آلمکثون و رهبر جناح عامه مبارزه‌ای درگرفت. کلستین در ابتدای امر خود را برای مبارزه با دشمنان ناتوان دید و تراجار به فکر آن افتاد که اکثریت عامه و مردم را با خود همراه نماید و عنوان دمکراسی و حکومت عامه را پیش کشید و با همین سلاح بروقتاً پیروزی یافت.... در زمان کلستینس شورای چهارصد نفری سولون به شورای پانصد و یک نفری تبدیل شد... برای انتخاب اعضای شورا قرعه می‌کشیدند. این دولت منتخب که به وسیله قرعه کشی تشکیل میشد به همه شارمندان نه تنها حق رأی بلکه حق احراز حساس‌ترین مقامات دولتی را ارزانی داشت. این شورا قدرت اداری و قضائی دامنه‌داری داشت و برخی از قضایای اجتماعی را به رأی مجمع عمومی واميگذاشت.^(۲)

-
- ۱ - ارسسطو، اصول حکومت آتن، ترجمه باستانی پاریزی، تهران، انتشارات حبیبی، ۱۳۷۰، ص ۷۳. Isagoras از اشراف متعصب بود که قصد داشت حکومت اشرافی را احیا کرده و بدست چند خانواده بسپارد. او ریاست جناح الیگارشی را بعده داشت و با کلثمن پادشاه اسپارت همراهی میکرد و در اول کار توانست کلستین را مجبور به عقب‌نشینی نماید ولی بالاخره در اثر حمیت مردم خود او تبعید گشت و کلستین بازگشت و در اثر مبارزه مردم و اجیا مجلس چهارصد نفری، کلثمن و ایزاگوراس نیز در اکروپل مخصوص و سرانجام مجبور به ترک آتن - شدند. Clithene رجل سیاسی معروف آتن، فرزند مگاکلس که از روسای خاندان آلمکثون بود... او از جهت سیاسی با جناح اشرافی و الیگارشی که توسط ایزاگوراس هدایت میشد مبارزات شدید داشت و به همین سبب به جناح دمکراسی و عامه تکیه کرد و خود از مدافعين قوانین سولون و تطبیق دادن آنها با روح دمکراسی و احتیاجات طبقات پائین جامعه بود. او گرچه خود از اشراف بود ولی پایه گزار اساسی ترین اصول دمکراسی آتن محسوب میشد... او جماعات عامه را پایه ترتیب میداد و بالنتیجه عامه در قضایات و سرنوشت سیاسی خود دخالت مستقیم باختند. ارسسطو، پیشین، ص ۷۳-۷۴.
 - ۲ - ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه امیرحسین آریانپور و دیگران، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۴۵.

... در ششمین سال بعد از سرنگون شدن نظام چهارصد نفری، در زمان آرکنتی کالیاس از اهالی آنژله و بعد از جنگ دریایی ارژینوز، قبل از هرچیز با یک رأی علنی که با بلند کردن دست انجام گرفت، مردم ده تن سپهسالارانی را که به جنگ رفته و ابتدا پیروزی یافته بودند به محاکمه دعوت کردند.^(۱)

در اواخر قرن نهم قبل از میلاد که تاجدودی به تیورانی که هومر زندگی میکرده نزدیک است، سازمان‌های سیاسی بونان اصالت چندانی نداشته و صورت یک پادشاهی شیخ سالار را دارا بودند. هر مدینه (cite) پادشاه مخصوص بخود و شورائی از سالخورده‌گان داشت و در موقع سختی اقدام به احضار مجمعی از تمام شهروندان مینمود.^(۲) ... در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن ششم قبل از میلاد مسیح در اکثر مدینه‌های یونانی منازعات و مبارزات شدیدی برپا میشود و در این درگیری‌ها گاهی جبهه اشرافی محافظه کار و زمانی گروه دمکراتیک برتری را بدست می‌آورد... سرانجام در اواخر قرن ششم قبل از میلاد بخصوص با کمک اسپارت که در آن هنگام دولت برتر در یونان قدیم بود حکومت استبدادی در همه جا ملغی گردید و بین شهروندان جدید و قدیم نوعی مصالحه برقرار شد که نتیجه آن برقراری حکومت معروف دولت - شهر یونانی است. از این پس ارگان اصلی حکومت دیگر شورای سالمندان که در همه جا انتخابی شده بود نبود، بلکه این ارگان مجمعی بود که تمام شهروندان در آن شرکت داشتند... *

۱ - ارسطو، پیشین، ص ۱۳۳.

۲ - گانثانوموسکاؤگاستون بوتو، تاریخ عقاید و مکتب‌های سیاسی از عهد باستان تا امروز، ترجمه حسین شهیدزاده، تهران، مروارید، ۱۳۶۳.

اما باید در نظر داشت در قبال این مزایا در مدائیون ناراحتیها و دشواریهایی هم وجود داشت، یکی از این دشواریها این بود که شهروندان می‌بایست اکثر اوقات در مجمع حاضر باشند و این امر منافی با آن بود که کسی حق شهروندی خود را به کس دیگری از اهالی مدینه یا کسانی که خارج از آن بسر می‌برند واگذار نماید.^(۱)

بطور کلی در مورد سازمان عالی حکومت آتن یعنی مجمع ملی میتوان گفت که شهروندان پایه اصلی و اساسی مجمع عمومی را تشکیل میدادند. مجمع ملی بیش از چهل مرتبه در سال تشكیل جلسه میداد و حد نصاب لازم برای تشکیل جلسات آن حضور ۶۰۰۰ (شش هزار) نفر شهروند بود (حداقل افرادی که حضورشان برای حل و فصل معتبر امور ضرورت داشت). کلیه مسائل مهم از قبیل چارچوب قانونی برای حفظ نظم عمومی، امور مالی و مالیات‌های مستقیم، نفی بلد و مسائل خارجی (از قبیل ارزیابی عملکرد نظامیان و نیروی دریایی، انعقاد پیمان‌های اتحاد، اعلام جنگ و انعقاد پیمان صلح) در این اجتماع شهروندان بحث و درباره آنها تصمیم‌گیری می‌شد. این مجمع در مورد تعهدات سیاسی ایالت‌های آتنی تصمیم می‌گرفت. هرچند بر اساس این دیدگاه که مسائل را میتوان به درستی به نفع عموم حل کرد، همواره رسیدن به اتفاق آراء (*homonoia*) مدنظر بود، اما امکان وجود اختلاف عقیده جدی و درگیری‌های ناشی از منافع فردی نیز به رسمیت شناخته می‌شد. مجمع در مورد مسائل جدال برانگیز به رأی‌گیری رسمی اقدام می‌کرد و رأی اکثریت را ملاک عمل قرار میداد. اقدام به رأی‌گیری هم راهی برای آشکار کردن اختلاف آرا و هم ساخت و کاری عملی برای

مشروعیت بخشیدن به مسائل مبرم بود. یونانیان احتمالاً استفاده از روش رأی‌گیری رسمی را به منظور مشروعیت بخشیدن به تصمیم‌گیریها در مقابل مواضع متعارض ابداع کردند، اما رسیدن به وفاق همچنان کمال مطلوب به حساب می‌آمد.^(۱) ...

در قرون جدید نیز موارد متعددی دال بر استفاده از همه‌پرسی در تاریخ بسیاری از کشورها دیده می‌شود، بعنوان مثال از ۱۸۹۷-۱۹۵۷ بیست و یک ایالت از ایالات متحده امریکا در موارد گوناگون از همه‌پرسی استفاده کرده‌اند و یا در سوئیس که در سال ۱۸۳۱ کانتون سنت گال برای تصویب مصوبات عادی نمایندگان از شیوه رفراندم استفاده نمود و از آن پس دیگر کانتون‌های سوئیس نیز از رفراندم برای هر نوع قانونگذاری استفاده کردند. در فاصله بین سالهای ۱۸۶۰-۷۰ ایتالیا از این شیوه برای تعیین تابعیت و ملیت استفاده کرد و موضوع پذیرفتن تابعیت و ملیت بین ساکنان سرزمین واگذاری را به رأی عموم واگذار کرد و استانهایی نظیر سیسیل، و نیز، لمباردی ورم نیز پس از مشاوره با مردم، تابعیت پادشاهی ایتالیا را پذیرفتند. برای الحاق ساواوانیس به فرانسه نیز که طبق معاهده تورل (۱۸۶۰) صورت گرفت دوباره آرای عمومی مراجعت شد.

بطور کلی استفاده از همه‌پرسی به قانون اساسی کشور بستگی دارد و اینکه در قانون اساسی چه ارگان، فرد یا افرادی اجازه طرح مسئله را یافته باشند. مقام تصمیم گیرنده ارجاع امر به همه‌پرسی میتواند شخصیت سیاسی (رهبر) شخصیت رسمی (مجلس یامجالس) شورای قانون اساسی یا دولت باشد. موارد کاربرد این روش در طول تاریخ با توجه به نوع استفاده از آن بسیار متفاوت بوده و

۱ - هلد، پیشین، ص ۴۰.

کلیه زمینه‌ها اعم از اخلاقی تا سیاسی را در برداشته است، چنانچه در ایتالیا برای پایان دادن به اختلافات و دسته‌بندی‌های ایجاد شده در دولت یا احزاب و یا برای تعیین تکلیف مسائل اخلاقی مانند قانونی شدن طلاق یا سقط جنین به رفراندم مراجعه شده است.^(۱)

توسل به همه‌پرسی گاه دست‌آوریز دستگاری و بهره‌برداری در جهت ازدیاد قدرت یک حاکم اتوکرات پیوسته مانند دوره پس از کودتای ناپلئون بناپارت در ۱۸۵۱ در فرانسه (این کشور نظام خودکامه مبتنی بر همه‌پرسی را یکبار در زمان ناپلئون اول (۱۸۱۴-۱۸۹۹) و بار دیگر در زمان ناپلئون سوم (۱۸۵۱-۱۸۷۰) آزمود و یا آلمان پس از آنکه آدولف هیتلر قدرت کامل سیاسی را در ۱۹۳۴ بدست آورد و یا پارلماناریسم دوگلی که پس از اصلاح قانون اساسی در ۱۹۵۸ تحت تأثیر و نفوذ ژنرال دوگل بوجود آمد و براساس آن رئیس جمهور منتخب مردم، دارای اختیارات فراوانی در برابر پارلمان است و حق دارد در صورت لزوم مردم را به ابراز عقیده عمومی بخواند و از ابزار همه‌پرسی حتی در زمان اجلاس مجالس مقتنه استفاده کند و در حالات‌های اضطراری نوعی دیکتاتوری موقتی اعمال نموده و مجلس را شخصاً بدون نیاز به موافقت هیئت وزرا منحل نماید.^(۲)

در اسپانیا رئیس مملکت میتواند بر طبق قوانین، موضوعی را که از ویژگی "الویت و اهمیت" یا ویژگی "منافع عموم" برخوردار باشد، به

1- David Robertson, *The penguin Dictionary of politics* (London Penguin Books, 1988) p. 286.

۲ - ابوالفضل قاضی، حقوق و نهادهای سیاسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، ص ۳۸۲. همچنین برای اطلاع بیشتر در این زمینه نگاه کنید به تحریلات سیاسی از زیستکار دستن تا فرانسوا میتران، ترجمه ناصر موقیان، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹، ص ۲۳.

نظرخواهی واگذار کند. در ایتالیا از نوع دیگری همه پرسی استفاده می شود که معنی آن اعمال حق مخالفت (حق و تو) شهروندان در مورد تصمیمات مجالس است، مثلاً در صورت تقاضای پنج شورای منطقه یا پانصد هزار رأی دهنده نسبت به لغو قانون مصوب پارلمان، موضوع به همه پرسی گذاشته می شود اما القو^{به تابستان} مصوبات مشروط به آنست که اکثریت واجدان شرایط رای دادن در همه پرسی شرکت کند و نیز اکثریت آرای مأخوذه موافق بالغ اعتبار قانون نامبرده باشد.^(۱) گاه علت مراجعت به همه پرسی در مورد مسائل مهم و اخلاقی و دینی، امکان عدم تصویب آنها از طریق مجتمع قانونگذاری و بازتاب نامعلوم تصویب و یا تشدید اختلاف و دسته‌بندی در دولت و یا احزاب می باشد که همه پرسی بعنوان راه حلی برای اینگونه موارد نیز مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

در بعضی از موارد نیز که مسئله یا موضوعی دارای ابعاد محلی و داخلی باشد همه پرسی بعنوان روشی در انتخاب و تصمیم‌گیری بکار گرفته می شود. به اعتبار تذکر همه پرسی در قانون اساسی، میتوان آنرا به دو نوع اجباری و اختیاری تقسیم نمود. رفراندم اجباری معمولاً برای تصویب قانون و متمم قانون اساسی است. این قاعده ممکنست در مورد بعضی از قانونگذاری‌های عادی نیز مطابق پیش‌بینی قانون اساسی اعمال شود. در رفراندم اختیاری ممکنست نمایندگان مجلس با اکثریت قاطع مسئله‌ای را به رأی عمومی ارجاع کنند و یا دولت در غیاب مجلس و یا برغم تمایل آن موضوعی را به رأی عمومی گذارد. صورت دیگر ارجاع امر به همه پرسی، درخواست عمومی است، بدین شکل که اگر مجلس قانونگذاری به میل خود موضوعی را به

رفراندم ارجاع نکند کسانی از مردم که صلاحیت رأی دادن دارند ممکنست درخواستی را امضا کنند که موضوع به رأی عمومی گذاشته شود، تعداد لازم این اشخاص بر حسب قوانین کشورها از ۵ تا ۱۵ درصد مجموع رأی دهنگان آخرین انتخابات است.^(۱)

همه پرسی اعم از اینکه در مورد مستائلی سیاسی باشد یا غیرسیاسی، مفهومی سیاسی دارد زیرا گرینش شیوه انتخابات چه به صورت معلول و چه علت، خصلت رژیم‌های گوناگون سیاسی را به نمایش می‌گذارد و بدون تأثیر بر روابط انتخاب شونده و رأی دهنده نیست، به ویژه اینکه حقوق شهروندان در دوره انتخابات به نیکی روشن می‌شود و فرد می‌تواند از خلال فرصتی که انتخابات برایش فراهم می‌کند عقاید خود را بروز دهد. هرچند مشارکت در انتخابات را از ویژگی‌های سیستم‌های دمکراتی دانسته‌اند اما شاید در یک دمکراتی رای بهترین وسیله‌ایست که شهروند می‌تواند از طریق آن تأثیر خود را بر امور عمومی اعمال کند بویژه اینکه امروزه دیگر برخلاف تفسیر اندیشه ارسطوئی از معنای دمکراتی، واژه دمکراتی مفهوم تسلط عوام و توده را نمیدهد، بلکه شیوه و نظامی است که مردم در قالب آن می‌توانند در شکل‌گیری حکومت بر طبق روال قانون مشارکت داشته باشند.^(۲)

۱ - داریوش آشوری، فرهنگ سیاسی، تهران، مروارید، ۱۳۵۴ ص ۱۰۱.

۲ - قاصی، پیشین، ص ۳۶۴.

انواع رفواندم

در رژیم‌های دمکراتی نیمه مستقیم که ترکیبی از دمکراتی مستقیم^(۱) و نماینده سالار^(۲) می‌باشد و یا به عبارت دیگر قدرت سیاسی به دو وجه موازی هم توسط نمایندگان و هم مستقیماً توسط خود مردم اعمال می‌شود اگرچه اعمال این حق از طریق مجالس مفته که مرکب از نمایندگان انتخابی مردم است و تصمیم‌گیری درباره سیاستگذاری‌های کلی کشور و تصویب قوانین را بر عهده دارند، صورت می‌پذیرد، اما خود شهروندان نیز می‌توانند طبق ضوابطی حق اعمال قدرت مستقیم خود را از طرق زیر عملی سازند:

۱- وتو Veto populaire که نوعی رفواندم اختیاری است و شهروند

-
- ۱- Direct Democracy - دمکراتی مستقیم با مشارکتی: نوعی نظام تصمیم‌گیری درباره مسائل عمومی که در آن شهروندان مستقیماً دخیلند.
- ۲- Representative Democracy - دمکراتی لیبرال با پارلمانی: نوعی نظام حکومتی شامل "مستوان" منتخب که در چار چوب "حکومت قانون" نمایندگی منافع و یا دیدگاههای شهروندان را بر عهده دارند. هلد، پیشین، ص ۱۸.

را مخیر میکند تا نسبت به تصمیماتی که توسط فرمانروایان اخذ شده و حتی صورت قطعی بخود گرفته است مخالفت کند.

۲- ابتكار عام Initiative publique - بر اساس این روش رأی دهنگان میتوانند در باب تهذیب و اصلاح قوانین اساسی یا عادی یا تصویب قوانین و مقررات جدید پیشنهاد مراجعت به آراء عمومی بدهند. بعنوان مثال در کشور سوئیس اگر پنجاه هزار نفر از رأی دهنگان یا هشت کانتون از دولت فدرال بخواهند که یک قانون عادی مورد نظر را به رأی عموم بگذارد، این امر لزوماً باید صورت تحقق پذیرد و اگر یکصد هزار نفر از دارندگان حق رأی درخواست تجدید نظر جزئی یا کلی در قانون اساسی این کشور را بنمایند، موضوع به همه پرسی گذارده خواهد شد.

فرق اساسی رفراندم با ابتكار عام در اینست که در مورد نخست ابتكار اقدام و عمل با ارگانهای حاکم (دولت) است و در مورد دوم مردم و رأی دهنگان در این کار پیشقدم می‌شوند.

۳- گزینش گری Option - این روش نیز نوعی همه پرسی است و تنها تفاوت آن با همه پرسی این است که در متن یا لایحه ارائه شده به آراء شهروندان، چندین امکان پیش‌بینی میگردد و رأی دهنگان باید یکی از امکانات را برگزینند. معمولاً روش گزینش گری هنگام اجرای رفراندم کمتر مورد استفاده واقع میشود و اگر هم انجام آن لازم آید، قاعده‌تاً زیر عنوان همه پرسی انجام می‌گیرد.

بعنوان مثال بعد از جنگ جهانی دوم و پس از آزادی فرانسه از اشغال آلمان هیتلری، در رفراندم ۱۹۴۵ سه راه پیش‌بینی شده بود که رأی دهنگان این کشور باید یکی را برگزیده و به آن رأی میدادند: یا بازگشت به قانون اساسی ۱۸۷۵ یعنی جمهوری سوم، یا ایجاد

مجلس مؤسسان حاکمی که اختیار کامل در تدوین قانون اساسی جدید داشته باشد و یا تأسیس مجلس مؤسسان با اختیارات محدود و در خصوص موضوعات مشخص.^(۱)

۴- همه‌پرسی Referendum - که رجوع به آرای عمومی و به مشورت گرفتن مردم درباره لزوم یا عدم لزوم و نیز شکل و محتوی قاعده‌ای از قوانین عادی یا اساسی است، معمولاً اصل همه‌پرسی باید در قانون اساسی مصوب بعنوان یکی از سروچشمه‌های قانون گذاری شناخته شده باشد تا بتوان از این آئین برای اخذ تصمیم استفاده کرد. ممکن است پیش از شکل‌گیری قانون برای اخذ نظر مردم همه‌پرسی صورت گیرد که در این حالت به آن رفراندم مشورتی (consultatif) گویند و نمایندگان ملت قانوناً مجبور نیستند که به آن ترتیب اثر دهند بلکه فقط جنبه مشورتی دارد.^(۲) در این صورت هرگاه به سوال طرح شده آراء مثبت داده شده باشد، این رأی مثبت نمی‌تواند به تنها بی قاعده مورد نظر را به گونه استقرار یافته آن الزام آور سازد، بلکه اصل اندیشه یا طرح مورد پذیرش مردم، مهیای تصویب توسط مراجع تقنینی عادی می‌شود، در صورتیکه موافقت مردم با متن "همه‌پرسی شده" بمنزله تصویب و لازم الاجرا شدن قانون آن باشد، آن را همه‌پرسی تصویبی گویند.

گاه نیز اتفاق افتاده است که مراجعت به آرای عمومی در خصوص موضوع معین و مشخص مورد تصمیم‌گیری که حتی ظاهری غیرشخصی نیز دارد منجر به ابراز عقیده در باب مقام مراجعت کننده به همه‌پرسی می‌گردد.

۱- فاضی، پیشین، ص ۳۷۵ - ۳۷۱.

۲- محمد جعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، تهران، بنیاد راستاد، ۱۳۶۳، ص ۳۳۷.

یعنی از حالت اعمال حاکمیت مستقیم به اعلام اعتماد عمومی نسبت به رئیس مملکت یا شخصیت سیاسی تغییر ماهیت می‌یابد که در این صورت پله بیسیت (*ple biseite*) نامیده می‌شود.^(۱) این شیوه همه پرسی از زمان رژیم کنسولی و امپراطوری‌های اول و دوم خاطرات بدی بیاد نهاد و به همین دلیل نیوبلا مفهوم رژیمهای اقتدار گرا پیوند خورده است و گاه این ترس وجود دارد که بیاد رفراندم به آسانی به پله بیسیت مبدل شود. در پله بیسیت شهر وندان برای اظهار نظر در باره نهادها (غالباً قانون اساسی و یا یک فرد دعوت می‌شوند و غالباً وجهه مردمی آن شخص موجب قبول نهادها نیز می‌شود)، بعنوان نمونه در این مورد می‌توان به فرانسه اشاره نمود که در زمان جمهوری سوم، این جمهوری با خصلت نماینده سالار خود تمایل چندانی به مداخله شهر وندان در امور قانونگذاری نشان نمیداد و با توجه به قانون اساسی چنین استنباط می‌شد که هر شیوه دیگری برای قانونگذاری مغایر با قانون اساسی است.^(۲) و با استناد به آن در موارد متعدد اتفاق می‌افتد که مجلسین پیشنهاد انجام همه پرسی حتی در زمینه‌های کاملاً مشورتی را در خصوص قوانینی که از حيث سیاسی مهم بودند رد می‌کردند. حکومت جمهوری فرانسه در ۱۹۴۵ تصمیم گرفت تا در باره سرنوشت قانون اساسی ۱۸۷۵ و قدرت مجلس موسسان مردم فرانسه را مورد مشورت قرار دهد. در قانون اساسی (دوم نوامبر ۱۹۴۵) پیش بینی شد که لواح تنظیمی

۱ - این واژه که ریشه آن *Ple be* است بمعنای طبقه سوم (متوسط) مردم می‌باشد و معنای لغوی آن نیز مراجعت به آرای عمومی است.

۲ - برای اطلاع بیشتر از رفراندم‌های انجام شده در فرانسه به مرجع زیر مراجعت شود: H.Duval,P.Mindu *Re fe rendum Et Ple biseite* (Armand colin, Paris,1970)P.6.

توسط مجلس یا مجالس مؤسسان مفهوم قانون اساسی بخود نگیرد
مگر آنکه از راه همه پرسی به تصویب مردم برسد.^(۱)

۵ - حق لغو نمایندگی (*Re-vocation de l'elu- Recall*) - روشی است که به رأی دهنده‌گان امکان می‌دهد تا مأمور عمومی انتخابی را قبل از پایان دوره قانونی از کار برکنار کنند و در حقیقت تمهیدی سیاسی است به منظور قادر ساختن رأی دهنده به برکناری یک مأمور عمومی انتخابی قبل از پایان مدت مأموریت از طریق انتخابات فوق العاده. این نوع برکناری با برکناری مأمورین از طریق مراجع قضائی، اعلام جرم و یا برکناری به وسیله قوه مجریه از این لحاظ متفاوت است که در مورد رکال اتخاذ تصمیم فقط توسط رأی دهنده‌گان صورت می‌گیرد.^(۲)

۱ - روپر پللو، شهروند و دولت، ترجمه ابوالفضل قاضی، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۰، ص ۴۲۰-۴۲۷.

۲ - علی آقا بخشی، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، نشر تندر، ۱۳۶۳، ص ۲۱۸.

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info

ماهیت حقوقی رفراندم

در ترمینولوژی حقوق رفراندم به معنای مراجعه به آرای ملت در امور مربوط به قانونگذاری و غیر آن تعریف و انواع آن از نظر حقوقی به شرح زیر بر شمرده شده است: رفراندم الزامی، رفراندمی است که نمایندگان ملت مجبورند به آن ترتیب اثر دهند و در مقابل رفراندم مشورتی بکار می‌رود که نمایندگان ملت قانوناً مجبور نیستند به آن ترتیب اثر دهند بلکه رأی فقط جنبه مشورتی دارد.

رفراندم تأسیسی (constituant): رفراندم مربوط به قانون اساسی را گویند که در مقابل رفراندم تقنیتی بکار می‌رود و رفراندم تقنیتی (legislatif) رفراندمی است که راجع به قانون عادی برگزار می‌گردد.^(۱) از نظر حقوقی همه پرسی ریشه در حقوق عمومی دارد که ارزش و آثار حقوقی اراده و یا اعمال اراده شخص (در انتخاب) بدان مربوط

۱ - جعفری لنگرودی، پیشین، ص ۳۳۷.

می شود.^۱ از وجود مشخصه انتخاب بطور اعم و همه پرسی بطور اخص می باشد به ماهیت گزینشی آن اشاره کرد و اینکه رأی دهنده‌گان می توانند انتخاب کنند یا نکنند و یا تأیید کنند یا نکنند.

اگر چه در همه پرسی خصلتها و ویژگی‌های انتخاب و انواع متفاوت آن مانند انتخابات متعارض (Contested election) یا به معنای دیگر انتخابات مبارزه‌ای (Disputed election) وجود ندارد، اما به هر حال حق انتخاب کردن، حق رأی دادن، حقی است که متعلق به فرد می باشد و هر فرد مخير است که از آن استفاده کند یا خیر. بکارگیری این حق یا امتناع از آن خودگونه‌ای حق مشروع هر شهروند بشمار می آید و استفاده یا عدم استفاده از آن منوط به اراده شهروند خواهد بود که این نظریه در مقابل نظریه کار ویژه‌ای رأی قرار می گیرد که رأی دادن را چیزی جز یک کارکرد عمومی نمی داند که حقی برای فرد ایجاد نمی کند بلکه این جامعه است که دارای حق است، بنابراین اگر منافع جامعه ایجاب کند می تواند رأی دادن را به عنوان تکلیف صرف اجتماعی الزامی سازد و امتناع از آن را که همان عدم شرکت در رأی دادن است ممنوع کرده حتی مجازات نماید.

از طرف دیگر اگر رأی دادن را به عنوان حقی پذیریم، می توان آنرا به دو صورت حق رأی محدود و حق رأی همگانی دسته بندی نمود. حق رأی محدود زمانی تحقق می یابد که حق شرکت در انتخابات مشروط به شرایطی یا دلایلی گردیده و بر طبق آن شرایط و دلایل به افراد خاصی داده شود (در بسیاری از کشورهای عربی زنان هنوز حق شرکت در انتخابات اعم از وکیل یا موکل را ندارند)، یا عوامل

۱ - برای اطلاع بیشتر در مورد ماهیت مسئله آزادی اراده نگاه کنید به: موریس کرنستون، تحلیلی نوبن از آزادی، ترجمه جلال الدین اعلم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۰، ص ۱۴۲-۱۱۱.

جنسيتی، فرهنگی، نژادی، مالی، عامل یا مانع اجازه شرکت در انتخابات باشد. در حالیکه در حق رأی همگانی، حق رأی بدون شروط تحدیدی متعلق به همه شهروندان است اما در هر صورت معنای این نکته فارغ از هر قيد و شرطی بودن نیست، بلکه به هر حال در هر قانونی شرایط تشويقی یا تحديدي بجز امری پيش بیني می شود، مثلاً مسائلی از قبيل تابعیت یا شرط سنی یا اهلیت یا محرومیت‌های خاص که در قانون ذکر می شود پس اگر به رأی دادن به عنوان حقی نگریسته شود شرکت در این امر اجتماعی، اختياری است و کسی را نمی‌توان وادار به استفاده یا عدم استفاده از حق خود کرد، پس شهروند مختار است. اگر به مشارکت در انتخابات به عنوان کار ویژه اجتماعی بنگریم آنگاه جنبه اجبار یا الزام آن بیشتر خواهد بود.

در خصوص ماهیت حقوقی رفراندم عقیده براین است که رفراندم به منزله عملی جهت تصویب تلقی می‌گردد، همانگونه که روسو نیز در کتاب فرارداد اجتماعی خود اشاره می‌کند: "... به همان دلیل که حاکمیت انتقال ناپذیر است، نمی‌توان آنرا نمایندگی کرد... وكلای مردم نمایندگان آنها نیستند و نمی‌توانند باشند، آنها فقط کارگزاران مردم بشمار می‌روند و در نهایت نمی‌توانند برای چیزی تصمیم بگیرند، هر قانونی که مردم شخصاً آن را تصویب نکرده‌اند بی ارزش است، اصلاً قانون نیست..."^(۱)

در بکارگیری ابزار همه پرسی به عنوان یکی از روش‌های دمکراتیک، میان حقوقدانان اتفاق نظر نیست و از دیدگاه اکثریت

علمای حقوق، شیوه تصمیم‌گیری در مجالس مقننه که با تأمل و گفت و شنود و مجال تفکر توأم است بر روش همه پرسی مرجع دانسته شده است، زیرا روش نخست، گرایش‌های پیش اندیشیده جامعه را منعکس می‌کند در حالیکه در روش دوم اتخاذ تصمیم بر مدار گرایشهای هیجانی زودگذر و تحت تأثیر نظرها و روان‌شناسی شتاب آلد مردم می‌چرخد و فره و محبویت مقام سیاسی به موجد همه پرسی شده است علی الاصول در نتیجه آن تأثیر فوق العاده‌ای دارد. صاحب‌نظران حقوق عمومی و اساسی در مشروع بودن و آثار اجتماعی همه پرسی اختلاف نظر دارند، مهمترین دلایلی که مخالفان ذکر می‌کنند این است که:

مسائل مهم سیاسی و حقوقی چندان پیچیده و دشوار است که توده مردم توان داوری درباره آن را ندارند پس ممکن است فریفته تبلیغات سیاسی شوند و ندانسته به زیان خویش تصمیم گیرند در نتیجه بهتر است که ملت امر قانون گذاری را به برگزیدگان خود بسپارد چنانچه منتسکیو می‌گوید اگر کسانی که درجه صلاحیت نمایندگان را می‌شناشند اندک باشند هر کس شایستگی تمیز این امر را دارد که برگزیده او از بیشتر مردم داناتر است.

دیگر این که مراجعه به آرای عمومی زمینه را برای ایجاد حکومت استبدادی و محدود ساختن آزادی‌های سیاسی آماده می‌کند، زیرا توده مردم را آسانتر از خبرگان و صالحان قوم می‌توان فریفت پس اگر حکومت بتواند از این راه در برابر مجلس به ایستاد آیا نمی‌توان گفت به بهانه حفظ مصلحت عموم در مقابل قوه مقننه عصیان کرده است. همچنین، مسائل اجتماعی بویژه آنجا که به باورها و داوریهای انسان مربوط می‌شود چنان قابل انعطاف و تابع اوضاع و احوال است

که به دشواری می‌توان نیک و بد مطلق را باز شناخت، همه چیز نسبی است و به چگونگی اجرای آن بستگی دارد، در همه پرسی امکان انتخاب محدود است و اراده عمومی باگفتن آری یانه نمی‌تواند تمام خواستهای خود را بیان کند، پس بهتر است که تنها برای امور مهم و کلی مورد استفاده قرار گیرد و چهره استثنائی داشته باشد و قانونگذاری به مجلس نمایندگان و بحث‌های آزاد آبان واگذار شود.^(۱) اما موافقان همه پرسی و شیوه‌های دخالت مستقیم در تصمیم‌گیری‌های سرنوشت‌ساز، رفراندم را تحدیدی برپارلمان‌تاریسم مطلق و تأکیدی بر حق شهروندان دانسته^(۲) و معتقدند که همه پرسی‌ها حریه‌ای مهم برای حفظ دمکراسی هستند و حق تصمیم‌گیری مستقیم را در مورد مسائل مهمی که گاهی در کلی گوئی‌های بیانیه‌های انتخاباتی نادیده انگاشته یا گم می‌شوند به ملت اعطا می‌کند.^(۳) موافقان عقیده دارند درست است که مردم عادی بینش لازم را در مسائل سیاسی و حقوقی دارند لیکن هر ملتی به اجمال می‌داند که اجرای یک سیاست معین چه نتیجه‌ای به بار می‌آورد و به خوبی می‌تواند برنامه کلی دولت را تعیین کند. امکان اظهار نظر مستقیم ملت به اقشار روش‌نگر و اندیشمند مجال می‌دهد که در تعیین سرنوشت حکومت سهمی داشته باشند زیرا در چنین مواردی معمولاً توجه عمومی به آنان معطوف می‌شود، بویژه اگر امری که به داوری ملت واگذار شده است در رشتۀ تخصص دانشمندی باشد

۱ - ناصر کاتوزیان، مقدمه علم حقوق مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران، شرکت انتشار، ۱۳۷۴، ص ۱۲۸ - ۱۳۱.

۲ - H.Duval,P.Mindu,Ibid,PP.16-17.

۳ - دیوید بیتمام، کوین بول، دمکراسی چیست، ترجمه شهرام نقش تبریزی، تهران، فقیرس، ۱۳۶۷، ص ۸۲ - ۸۳.

ملت فرصت آنرا می‌یابد که از تجربه و دانش او بطور عمومی استفاده کند. اگر چه در تاریخ سیاسی بعضی از ملت‌ها به مواردی برمی‌خوریم که همه پرسی مقارن با ایجاد حکومت استبدادی است ولی در رابطه بین این دو مقوله اجتماعی نباید مبالغه نمود. از نظر حقوق بین الملل، حق انسان در تعیین و اداره سرنوشت خود به شرح زیر در ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر تصریح شده است:

ماده ۲۱ :

۱- هر کس حق دارد که در اداره عمومی کشور خود خواه مستقیماً و خواه با وساطت نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده باشند شرکت جوید.

۲- هر کس حق دارد باتساوی شرایط به مشاغل عمومی کشور خود نائل آید.

۳- اساس و منشأ قدرت حکومت، اراده مردم است و این اراده باید به وسیله انتخاباتی ابراز گردد که از روی صداقت و بطور ادواری صورت پذیرد، انتخابات باید عمومی و با رعایت مساوات باشد و با رأی مخفی یا طریقه‌ای نظیر آن انجام گیرد که آزادی رأی را تأمین نماید.

ماده ۲۵ مبنیاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز از دولتها می‌خواهد که حق تمام شهروندان را برای برخورداری از حقوق مذکور در ماده ۲۱ به رسمیت شناخته و اجرای آنرا تضمین نماید^(۱).

۱- گلن جانسون، اعلامیه جهانی حقوق بشر و تاریخچه آن، ترجمه محمد جعفر پوینده، تهران، نشری ۱۳۷۷ ص ۹۳.

دیدگاه حقوق بین الملل در مورد رفاندم مبتنی بر دو نکته است:

۱- رفاندم به عنوان یک عمل تصویبی.

۲- رفاندم به عنوان یک عمل تصدیقی.^(۱)

گرچه از نظر حقوق بین الملل رفاندم و پله بیسیت هر دو شیوه‌های مشورت مستقیم تلقی می‌شوند که دارای تفاوت چندانی با یکدیگر نیستند اما رویه بین المللی معاصر در باره پله بیسیت در صورت استفاده از آن برای تعیین تابعیت و ملیت بر سه نکته مبتنی است: ۱- مراجعه به مردم پس از پایان عمل واگذاری معتبر نیست. ۲- تمایل به دادن رای مخفی. ۳- اجرای پله بیسیت تحت نظارت و مراقبت یا از طریق کنترل دسته جمعی مثلًا توسط کمیسیون بین المللی ویژه یا از طریق کنترل بیطرفانه کشور ثالث و یا از طریق ناظران بیطرف.^(۲)

۱ - برای اطلاع بیشتر در مورد تفاوت‌های حقوقی تصدیق و تصویب نگاه کنید به:

M.Battelli,Ibid, P.282.

۲ - آقا بخشی، پیشین، ص ۱۹۷.

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info

ماهیت سیاسی رفراندم

در تعاریف حقوقی حق سیاسی را اختیاری که شخص برای شرکت در قوای عمومی و سازمانهای دولتی دارد، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در مجالس قانونگذاری، و نیز حق عینی را سلطه‌ای که شخص نسبت به چیزی دارد و می‌تواند آنرا به گونه‌ای مستقیم و بی‌واسطه اجرا کند، تعریف کرده‌اند، پس انتخاب در عرصه حیات سیاسی به اعتبار ماهیت گزینشی خود حق سیاسی محسوب می‌گردد که در عین حال واجد مفهوم حق عینی است. نگاهی به تاریخ و سوابق رفراندم بیانگر این است که در عمل از آن بیش از هر چیز برای پیش برد اهداف و مقاصد سیاسی بهره جویی شده است. اگر چه حق حاکمیت بر سرنوشت خویش و حق انتخاب را از شاخصه‌های دمکراسی بز می‌شمارند اما به دلیل تعابیر و تعاریف متفاوت و گاه متضاد از دمکراسی در خصوص حق حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش و حق انتخاب، دیدگاههای متفاوت با یکدیگر به

مجادله پرداخته‌اند: شارل موراس معتقد است که: "دموکراسی خواهان تصمیمات سریع و فی البداهه است و به همین دلیل در معرض آن نیز هست که به دست ماجراجویان و عوام فربیان افتاد، آرا عمومی مخالف هر سیاست عقلائی و علمی است... مهم آن نیست که ما عقیده نه دهم فرانسویها را درباره شرایط رستگاری عمومی بدانیم بلکه مهم آنست که بدانیم شرایط واقعی این رستگاری چیست.^(۱) و یا موسولینی معتقد است که: ملت بخودی خود قادر نیست تصمیم‌های قهرمانانه بگیرد و می‌افزاید که در حقیقت ملت هیچوقت حاکم نیست و می‌گوید "سیستم‌ها یا حکومتها نماینده‌ای بیشتر مربوط به طرز عمل هستند تا حقیقت امر".^(۲) و بدین ترتیب همه پرسی نیز بمنزله وسیله‌ای برای وصول به دموکراسی و حذف کانال‌ها و مجاری واسطه‌ای بین مردم و حکومت و نیز بعنوان وسیله‌ای برای اعمال حق حاکمیت مردم بر خویش، محل بحث و گفتگوی فراوان بوده و هست، از نظر موافقان این مزیتی برای همه پرسی است که نظر شهروندان را به مسائل عینی جلب می‌کند و به همین دلیل نیز همه پرسی بعلت حضور و دخالت مستقیم مردم در امور تاحدود زیادی از خصلت تجریدی و ایدئولوژیک زندگی سیاسی دور است و مزیت دیگر آن اینست که اجازه میدهد در فواصل انتخابات بزرگ، با افکار مردم مشورت کرد، بویژه در کشورهاییکه عملانتحلال پارلمان وجود ندارد با این وسیله می‌توان از قطع رابطه مجلس با افکار عمومی بعد از گذشت مدتی، پیش‌گیری کرد. اما استفاده نامتناسب و زیاد از همه پرسی نیز ممکن است در

۱ - موسکا، پیشین، ص ۴۸۲.

۲ - موسکا، پیشین، ص ۴۲۵.

کشوری که روح مدنی در آن رشد چندانی نیافته است رای دهنده‌گان را خسته کند و یا در یک دوره اغتشاش که مسائل با آهنگی تند و سریع مطرح می‌شوند باعث ایجاد آشوب سیاسی شود.^(۱) از دیدگاه سیاسی، همه پرسی به عنوان راهی برای کسب مشروعيت یا اعطای آن و کسب یا تصدیق یا تصویب عمومی دراقور سیاسی و یا تثبیت یا ازدیاد یا بهره‌برداری از قدرت سیاسی بناها و بارهای مورد استفاده سیاستمداران قرار گرفته است که می‌توان دلایل مالی علل رجوع به همه پرسی رابه شرح زیر بر شمرد:

۱- تصمیم‌گیری درباره مسائلی که قانون درمورد آن ساخت است و یا مسائلی که ممکنست مخالف قانون بوده و یا مراجع قانگذاری با آن مخالفند.

۲- کسب مشروعيت قدرت سیاسی.

۳- کسب مشروعيت جهت انجام اصلاحاتی که ممکنست در جامعه بازتاب منفی داشته باشد.

۴- برای تبلیغ اصلاحاتی که ممکنست بنیادی و یا اساسی نباشد. اشکال و چگونگی همه پرسی و تأثیر قانونی آن با توجه به سیستم‌های سیاسی متفاوت است، گاه ممکن است جنبه صرفاً مشورتی داشته باشد که در این صورت با توجه به نتیجه رفراندم می‌توان موفقیت یا عدم موفقیت موضوع را قبل از اقدام به عمل، برآورد نمود. گاه نیز ممکن است که جنبه الزام آور داشته باشد که در این حالت نیز می‌تواند ضرورت الزام در اجرای امری را آشکار کند.

اما با توجه به اهمیت ارتباطات در جهان امروز و نقش انکارناپذیر رسانه‌ها و تأثیر تبلیغات بر زندگی سیاسی و اجتماعی انسان، رفراندم

نیز به عنوان یکی از وجوه عمل سیاسی، نمی‌تواند از جهت گیریها و تأثیرات تبلیغات بر کنار باشد و ای بسا که در شرایط خاص و از پیش چیده شده به کمک تبلیغات بعنوان وسیله‌ای برای کسب و تأیید مشروعيت مسأله و موضوع سیاسی خاص مورد بهره برداری قرار گیرد.^(۱) اما در بسیاری از موارد به شرط استفاده صحیح از آن از نظر سیاسی می‌تواند موازنۀ قدرت را تضمین کند.^(۲)

بررسی
www.tabarestan.info

۱ - ماهیت شکل گیری اراده مرد و یا مفهوم صلاح عمومی موضوعی است که محل بحث بسیار اندیشمندان است:... با ماهیتی که انسان دارد گروههای مختلف می‌توانند اراده مردم را شکل داده و یا در فراخنای محدودیتهای گسترده‌ای حتی به ایجاد آن پردازند. آنچه که ما در تحلیل فرایندهای سیاسی با آن روپرتو هستیم بیشتر نه یک اراده اصیل بلکه اراده ساخته شده است و غالباً این واقعیت قلب شده (*artefait*) چیزی است که در واقع بالراده عمومی آموزه کلاسیک دمکراسی وفق می‌دهد. تاجیگی چنین است اراده مردم خود ثمرة فرایند سیاسی است و نه محرك آن... که در واقع مردم نه موضوعات را طرح می‌کنند و نه در باره آن تصمیم می‌گیرند بلکه موضوعاتی که به سرنوشت آنان شکل می‌بخشنند معمولاً برای آنان ایجاد شده و مورد تصمیمات واقع می‌شوند. جی. ا. شومپر، پیشین، ص ۳۳۴

2- H. Duval, P. Mindu, Ibid, P.18.

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info

رفرازدم

درایران

فصل دوم

رفراندم در ایران پیشکش به تبرستان

اگر چه در اصل ۲۶ قانون اساسی مشروطیت مصوب ۱۲۸۵ هجری شمسی (۱۴ ذی القعده ۱۳۲۴ قمری) قوای مملکت ناشی از ملت دانسته شده است اما نه در اصل و نه در متمم و اصول اصلاحی آن هیچ اشاره‌ای به ملت به عنوان مرجع مستقیم اعمال حق حاکمیت یامرجع پرسش نسبت به سرنوشت خود نشده است. همانگونه که پیشتر اشاره رفت اصولاً رجوع به مردم در مقاطع حساس تصمیم‌گیری و سرنوشت ساز از وزیرگی‌ها و ابزار حکومت‌های مردمسالار و دمکراتی به حساب می‌آید حال آن که مراجعته مستقیم به مردم و یا تکیه بر آرای مردم در یک حکومت استبدادی معمولاً ضرورت و یا جایگاهی نمی‌یابد.

حال چگونه است که در یک حکومت استبدادی که در قانون اساسی آن نیز از حق تصمیم‌گیری مستقیم مردم ذکری نرفته است، در دو مقطع تاریخی ۱۳۳۲ و ۱۳۴۱ مردم مورد نظر خواهی واقع می‌شوند پرسشی است که جای گفتوگو دارد. در تاریخ ایران برای اولین بار در سال ۱۳۳۲ دولت دکتر محمد مصدق برای انحلال مجلس هفدهم و برای دومین بار در سال ۱۳۴۱ محمد رضا شاه برای تصویب لایحه اصلاحات خود بنا به دلایل و عواملی که در این مبحث مورد بررسی قرار می‌گیرند دست به رفراندم زده‌اند.

زمینه‌ها و علل سیاسی برگزاری رفراندم ۱۳۳۲

بدنبال وقایع ۳۰ تیر ۱۳۳۱ که دکتر مصدق مجدداً از جانب شاه برای تشکیل دولت دعوت شد، پس از چند روز از مجلسین تقاضا کرد که اختیاراتی بمدت شش ماه به او داد شود تا پاره‌ای اصلاحات ضروری را عملی سازد. مجلس نیز با تصویب لایحه‌ای به مدت شش ماه به او اختیارداد که برای اجرای مواد نه گانه برنامه دولت، لوایحی را که لازم می‌داند تهیه نموده و به اجرا گذارد (این اختیارات که از طرف مجلسین سنا و شورابه دکتر مصدق تفویض شد و به توشیح شاه رسید بکرات از جانب منتقدین مورد حمله قرار گرفته و از نظر بسیاری از آنان مصدق این اختیارات را به شیوه‌ای مغایر با قانون اساسی کسب کرده و قصد داشت که آنها را بر ضد منافع ملی به کار گیرد^(۱)). در دیماه ۱۳۳۱ هنگام پایان مهلت شش ماهه که مصدق

۱ - جمیز بیل، ویلیام راجر لوئیس، مصدق نفت، ناسیونالیسم ایرانی، ترجمه عبدالرضا هوشگ مهدوی و کاوه بیات، تهران، نشر گفتمار، ۱۳۷۲، ص ۱۲۳.

مجددأً تقاضاً کرد که اختیاراتش برای یکسال دیگر تمدید شود، با مخالفتهای فراوان روبرو شد و بعضی از شخصیتها و مخالفین تقاضای وی را مغایر قانون اساسی دانستند از جمله آیت الله کاشانی که تقاضای وی را مغایر قانون اساسی اعلام نمود^(۱) اما در این مرحله نیز مجلس با ۵۹ رأی موافق در برابر ۷ رأی مخالف با تقاضای وی موافقت کرد. و خامت اوضاع اقتصادی- اجتماعی یکشور بدلیل به فروش نرفتن نفت، فشار اقتصادی و سیاسی بدولت به دلیل جریان مبارزات ملی شدن نفت، قطع روابط سیاسی ایران و انگلیس، مخالفت و کار شکنی‌های بعضی از احزاب و سازمانهای سیاسی (حزب توده) توطئه‌ها و ضدیت‌های در بار و شاه و سیاستمداران محافظه کار، رد تقاضای وام ایران توسط امریکا، به قدرت رسیدن چرچیل و ایدن در انگلیس و جمهوریخواهان (آیزنهاور و دالس) در آمریکا بتدریج در فاصله بین بهمن ۱۳۳۱ تا خرداد ۱۳۳۲ شرایطی را برای دولت پدید آورد که بنناچار نیروی خود را صرف مبارزه در دو جبهه داخلی و خارجی می‌نمود.

از میان عوامل داخلی، مجلس به عنوان یک نیروی فشار قوی اعمال حیاتی دولت را مختل می‌نمود به نحوی که به عمدۀ ترین پایگاه مخالفت با دکتر مصدق، پس از دربار و شاه تبدیل شده و روز به روز مخالفت خود را با دکتر مصدق علنی تر می‌کرد. گروه مخالفان مصدق در مجلس به سرکردگی مکی و بقایی هر روز در مجلس فعالتر شده و با طرح مسائل مختلف به دولت فشار می‌آوردند، اگرچه مصدق هنوز از اکثریتی اطمینان بخش ولی کاهش یافته در مجلس برخوردار بود، اما به مرور بروز وقایع و حوادثی مرتبط با یکدیگر

باعث شد که وی احساس نماید که انحلال مجلس ضرورت دارد. قتل افشار طوس، تحصن زاهدی در مجلس، حمایت کاشانی از زاهدی و انتخاب مکنی به عنوان عضو هیئت نظارت بر چاپ اسکناس نیز موازنۀ حمایت مجلس از مصدق را بر هم می‌زد به خصوص مسأله انتخاب مکنی به عضویت هیئت نظارت ^{این نگرانی را برای مصدق بوجود آورد که در صورت اطلاع مکنی از جریان چاپ ۳/۱ میلیارد ریال اسکناس جدید که طی ۹ ماه گذشته منتشر شده بود جنجال مخالفت جدیدی را بر علیه دولت برانگیزد^(۱)، مضافاً به اینکه جو متشنج مجلس و غیبتهای متولی نمایندگان مانع از رسمیت یافتن جلسات مجلس می‌شد.}

در آخرین جلسه مجلس هفدهم (۱۵ تیر ۱۳۳۲) علی زهری به بهانه آنکه در باز پرسی و رسیدگی به پرونده قتل افشار طوس رئیس شهریانی، مأمورین شهریانی متهمین پرونده را برای اخذ اطلاعات و افایر مورد شکنجه قرار دادند، دکتر صدیقی وزیر کشور را به جهت سمت ریاست شهریانی که بر عهده داشت و دکتر مصدق را به لحاظ سمت وزارت دفاع ملی و ریاست دستگاههای انتظامی، استیضاح نمود.^(۲)

از زمان استیضاح، مسأله رفراندم برای انحلال مجلس نیز مطرح گردید. اگر چه به موجب اصل چهل و هشتم قانون اساسی مصوب ۱۳۲۸ اختیار انحلال هر دو مجلس فقط به شاه داده شده بود، اما

۱ - توضیح این که: هیئت نظارت دائمی شامل چند تن از نمایندگان مجلس نیز می‌شد که برچاپ و نشر اسکناس در بانک ملی ایران (که در آن زمان نقش بانک مرکزی را داشت) نظارت می‌کرد. در تیر ماه ۱۳۳۲ مدت مأموریت یکی از نمایندگان عضو هیئت خاتمه یافت و مجلس مکنی را به عضویت هیئت انتخاب کرد.

۲ - محمد علی سفری، فلم و سیاست، تهران نشر نامک، ۱۳۷۱، ص ۷۹۸.

صدق با توجه به شرایطی که عملاً درگیر آن بود تصمیم به انحلال مجلس گرفت. در مجموع به نظر می‌رسید دلایل و عوامل زیر نقش عمدۀ را در تصمیم به انحلال مجلس بر عهده داشته‌اند: ۱- مخالفت نمایندگان اقلیت با تمدید لایحه اختیارات. ۲- تهدید استیضاح از جانب مجلس بر علیه دولت بخاطر افزایش ~~غیر~~ مجاز حجم پول در گردش. ۳- از دست رفتن اکثریت دولت‌آذار مجلس. در جنین شرایطی به عقیده دکتر مصدق با وضع موجود مجلس، ~~امید~~ هیچ‌گونه موقفیتی در مبارزه ملت ایران نیست و او ناچار است از مردم وطن پرست تقاضا کند که درباره ابقاء یا انحلال مجلس شورای ملی صریحاً اظهار نظر کنند. پس طی پیامی که خطاب به ملت می‌فرستد حق تصمیم‌گیری را آن ملت دانسته و از آنان می‌خواهد که در این مورد تصمیم بگیرند. متن پیام مصدق خود در واقع گزارش کاملی از اوضاع و احوال روز و علل مخالفت با وی و نیز توضیح واضح انگیزه وی از برگزاری رفراندم می‌باشد.

این پیام به غیر از انعکاس زمینه‌های سیاسی رفراندم در عین حال مبانی حقوقی رفراندم را از دیدگاه او توجیه و تشریح می‌کند.^(۱) از نظر

۱- به دلیل اهمیت پیام مورخ ۳۲/۵/۵ دکتر مصدق که گزارش روشنی از اوضاع کشور در مقطع رفراندم می‌باشد متن تقریباً خلاصه شده آن جهت اطلاع به شرح زیر درج می‌گردد، متن کامل پیام در اطلاعات ۳۲/۵/۵ - سال ۲۸ شماره ۸۱۵۱ چاپ شده است: هموطنان عزیز، یک سال پیش هنگامیکه اینجانب از مسافت لاهه به خاک وطن عزیز مراجعت کردم و همه در انتظار صدور رأی دیوان بین المللی دادگستری بودیم مشکلاتی در راه دولت بوجود آمد که خدمتگزار ناگزیر از کار کناره گرفت؛ اما شما ملت ایران که همواره با واقع بینی خاص متوجه حقایق امور بودید، نگذاشتید که دشمنان به آرزوی خود برسند... از این رو با یک قیام مردانه و با ایشار خون خود در روز تاریخی می‌ام تبر دست عمل اجنبی را از کار کوتاه کردید... در نتیجه این دولت بار دیگر توانست با استظهار به حمایت و پشتیبانی بی دریغ شما زمام امور را به دست گیرد... و توانست با وجود مشکلات فراوان مبارزات خود را با اجانب در راه تأمین

مصدق فشار و حمله به ایران همیشه زمانی که کشور در شرایط حساس قوار می‌گیرد افزایش می‌باید، پس از نظر او این ملت است که می‌تواند در شرایط حساس درباره سرنوشت خود و نهضت ملی و دولت و مجلس تصمیم بگیرد و دست به انتخاب نهایی بزنند.

استقلال کشور ادامه دهد و به حد امکان در انجام اصلاحات داخلی با توجه و اجرای لوابع قانونی سودمند قدمهایی بردارد. اما چون این اصلاحات منافع عده‌ای را به خطر می‌اندازد در نتیجه هرچه اصلاحات توسعه یافته نارضایتی بیشتر شد و در نتیجه مشکلات و مسائل بسیاری ایجاد می‌کنند و می‌کرند تا دولت را به زانو درآورند، حوادث نهم استند، توطه قتل افسار طوس، تحریک عشایر و استفاده از تربیون مجلس شورا ملی برای حملات غرض آلد به دولت و تعطیل مشروطیت با منحرف ساختن مجلس از ایفاء وظیفه اصلی خود توسط اقلیت و بالاخره طرح نقشه سقوط با به کار بردن دسایس، اوضاعی بوجود آورد که سد بزرگی در راه دولت ایجاد نمود. به طوری که قسمت اعظم وقت دولت مصروف این می‌شد که از این اخلال‌گریها و کارشنکنیها جلوگیری کند و نگذارد عناصر ضد ملی در کار خوبیش توفیق حاصل کنند و نهضت ملی ایران را سرنگون سازند. همیشه جملات و اعتراضات هنگامی رو به شدت می‌نهد که ایران از لحاظ سیاست خارجی در موقعیت حساسی قرار گرفته، کارشنکنی آنها که منجر به انقلاب می‌ام تیر شد نیز هنگامی صورت گرفت که رأی دیوان لاهه در شرف صدور بود. اما دولت چون از اعتماد ملت برخوردار بود با کمال استقامت به کار خود ادامه می‌داد... در میان مخالفین امروزی عده قلبلی هستند که در شروع این نهضت از همقدمان و همراهان بوده‌اند ولی به علتی که ترک ذکر آن اول است اکنون ملت را در آخرین مراحل پیروزی رها ساخته و در تضمیف دولت و جلوگیری از پیشرفت آمال ملی حتی از مخالفان قدیم هم پیش افتاده‌اند... در مبارزه‌ای که اکنون در پیش گرفته‌ایم دو راه بیشتر وجود ندارد یا مقاومت و پایداری که پایان آن سعادت و استقلال واقعی و عظمت ملت ایران است یا انقیاد و سلطه که نتیجه‌اش ننگ و رسوبی ابدی و محرومیت از مزایای حکومت ملی و تحمل مفاسد و مظلالم حکومت‌های فردی و دیکتاتوری است... اکنون بیگانگان با تمام قوا می‌کوشند که در صورت متحد ملت رخنه کنند متأسفانه در مجلس شورای ملی هم که حقاً می‌باشد بزرگترین مرکز مبارزه با این گونه افکار باشد، کانونی برای پیشرفت مقاصد شوم آنها تشکیل شده است، در این مجلس گروهی از مخالفین و ایادی سیاست بیگانه با بعضی از منحرف‌شدگان می‌کوشند که زمام امور را به دست دولتی بدھند که بتواند مطاعم بیگانگان و منافع آنان را تأمین و برای انجام این منظور تربیون مجلس را وسیله برای تبلیغات مضرة خود قرار داده‌اند... دولت نمی‌تواند این کارشنکنی‌ها و دسایس را تحمل کند و به این عده مجال دهد که با سرنوشت ملت ایران بازی کرده و مجلس شورای ملی را جولانگاه مقاصد شوم خود قرار داده و عرصه

پس از اعلام تصمیم دکتر مصدق مبنی بر برگزاری رفراندم، نزدیک به دو سوم نمایندگان به ابتکار خود و حمایت از تصمیم دولت از نمایندگی مجلس استعفا کردند. هدف مصدق از برگزاری رفراندم،

را بر نمایندگان دلسوز و علاقمند به مصالح کشور تنگ کنند. شاید در هیچ یک از ادوار قانون‌گذاری سابقه نداشته باشد عده‌ای از نمایندگان مجلس تا آین حد احترام این مرجع بزرگ را که کانون آرزوها و آمال ملت است از بین برترین کسانی که برای حمله به دولت پیشتر اوقات از حریه عدم نظم و امنیت استفاده می‌کردد و به دولت اعتراض می‌نمودند خود آنها مرکز قانون‌گذاری را به صورت بسیار نظم‌ترین و نامن‌ترین مرکز درآوردند... عده‌ای از نمایندگان به جای ارشاد و راهنمایی دولت از مصوبیت پارلمانی سوهه استفاده کرده و تریبون مجلس را برای ارضاء اغراض خصوصی و نقشه‌های ضد ملی مورد استفاده قرار می‌دهند... مجلس در خلال ماههای اخیر به صورت هسته مرکزی و پایگاه اصلی این اخلاص‌گریها درآمده است... آن را دمردان و مجاهدینی که در صدر مشروطیت در راه آزادی و مشروطیت ایران نقد جان باختند... هیچ گاه تصور نمی‌کردند که روزی عده‌ای در پناه (قانون اساسی) دست به هر بی‌قانونی بزنند و بیان مشروطیت و قوانین مملکت را متزلزل سازند و در سایه مصوبیت پارلمانی با سرنوشت کشور بازی می‌کنند... آنها هیچ گاه باور نمی‌کردند که پس از مدت کوتاهی عده‌ای مجلس را به صورت سنگری علیه استقلال و حاکمیت ایران درآورند و راهی را دنبال کنند که سرانجام آن اضمحلال مشروطیت و فناز آزادی باشد، به همین جهت وقتی دولت احساس کرد با این همه اخلاص‌گری‌ها و کارشکنی‌ها نمی‌تواند وظایف خود را انجام دهد، مسئولیت بزرگی را که بر عهده دارد همچنان به دست بگیرد تصمیم گرفت در این‌باره از ملت رشید ایران استمداد کند. این نکته را جمیع از آفایان نمایندگان محترم نیز تشخیص داده و چون دیدند که با یک چنین اوضاع نامساعد ادامه خدمت مقدور نیست از مقام نمایندگی استعفا دادند. هموطنان عزیز، امروز یک بار دیگر دولت ناچار شده است این حقایق را بی‌پرده با شما در میان بگذارد و در رفع مشکلات خویش از شما استمداد کند زیرا این نظر شماست که باید حق و باطل را از هم جدا سازد و خوب و بد را از یکدیگر تشخیص دهد. شما همه از جریان کار مجلس شورای ملی خوب باخبرید و هیچ یک از جزئیات آن از نظر شما پوشیده و پنهان نیست و دولت ناچار است صریحاً اعلام کند که با وضع کتونی مجلس اید هیچگونه موفقتی در مبارزه ملت ایران نیست و ناچار است از شما مردم وطن پرست تقاضا کند عقیده خود را در ابقاء یا انحلال آن صریحاً اظهار کنید. در مواردی که بین مجلس و افکار عمومی ملت اختلاف حاصل شود و مجلس به صورت یک دستگاه کارشکنی بر علیه دولت درآید مجلس منحل می‌شود و قضاوت امر را به عهده مردم محول می‌نمایند، چنانچه افکار عمومی با نظر دولت تطبیق کند نمایندگان دیگری انتخاب و روانه مجلس شوند و به این ترتیب بین دولت و مجلس همکاری ایجاد شود و چرخ اداره مملکت از کار نیفتند بنا بر این

برگزاری انتخابات پیش از موعد مجلس بود^(۱) اما با توجه به استعفای اکثریت نمایندگان مجلس و در حالیکه تشکیل جلسات مجلس به علت عدم نصاب اکثریت ممکن نبود آیا ضرورت برگزاری رفراندم هنوز به قوت خود باقی بود به خصوص این که بسیاری از اعضای دولت وی و طرفدارانش با برگزاری رفراندم مخالف بودند و

تنها اراده قاطبه افراد ملت که دولت و مجلس بوجود آنان قائم است می‌تواند قضاوت قطعی در این باب بنماید و آن کسانی که ادعا می‌کنند ملت حق ندارد و نمی‌تواند در این باره اظهار عقیده کند سخت در اشتباہند زیرا تنها ملت است که می‌تواند راجع به سرنوشت خود و سرنوشت مملکت اظهار عقیده کند. پنجه سال پیش ضرورت تاریخی ایجاد کرد که ملت ایران در راه آزادی و مشروطیت خود قیام نماید و با ایشاره خون خویش به حق خود برسد و قانون اساسی را به وجود آورد اکنون نیز در این لحظات حساس که کشور ما در آستانه مرگ و زندگی قرار دارد، دشمنان ایران علیه استقلال و آزادی ما بالاگفته تلاش خود را به کار می‌برند مصالح کشور ایجاد می‌کند که ملت ایران تصمیم خود را درباره نهضت ملی و وضع مجلس و دولت روشن کند. این تنها ملت ایران یعنی بوجود آورنده قانون اساسی و مشروطیت و مجلس است که می‌تواند در این باره اظهار نظر کند و لاغر. قانون‌ها، مجلس‌ها، دولت‌ها همه برای خاطر مردم بوجود آمده نه مردم بخاطر آنها، وقتی مردم یکی از آنها را نخواستند می‌توانند نظر خود را درباره آن ابراز کنند. در کشورهای دمکراتی و مشروطه هیچ قانونی بالاتر از اراده ملت نیست. به همین جهت دولت در این لحظه حساس تاریخی مشکلی را که با آن مواجه شده با ملت در میان می‌گذارد و راجع به این مجلس از خود مردم سؤال می‌شود که اگر با ادامه وضع کنونی یا سپری شدن دوره ۱۷ تقیینیه موافقت دارند دولت دیگری روی کار بیاید که بتواند با این مجلس همکاری کند و اگر با این دولت و نقشه و هدف آن موافقند رأی به انحلال آن بدeneند تا مجلس دیگری تشکیل شود که بتواند در تأمین آمال ملت با دولت همکاری کند و طرز اجرای این منظور و استباط از افکار عمومی در مرد انحلال یا بقای دوره ۱۷ مجلس شورای ملی و مقرراتی که برای اجرای آن پیش‌بینی شده بعداً به اطلاع هموطنان عزیز خواهد رسید تا برایت آن به ایفا و ظایف ملی خود قیام فرمایند و یک بار دیگر ایمان و علاقمندی خود را به اصول و هدف نهضت مقدس ملی به جهانیان ثابت کنند....

۱ - ریچارد کاتم، ناسیونالیسم در ایران، ترجمه احمد تدبیر، تهران، کویر، ۱۳۷۱، ص. ۳۵۶. به عقیده کاتم تصمیم مصدق به همه برسی به این دلیل بود که وی بر آن بود که اگر مردم موافق سیاست‌های او هستند او مجلس را منحل کند و انتخابات جدیدی را برگزار کند، ابتدا از طرفداران خود در مجلس خواست که استعفای دهنده تا مجلس از اکثریت بیفتند، در تاریخ ۳۲/۴/۲۳ تعداد ۲۷ نفر از نمایندگان طرفدار مصدق و تا ۲۶ تیر ۵۲ نفر استعفای داده بودند.

مخالفان نیز آن را حرکتی غیر قانونی قلمداد می‌کردند.^(۱) شاید مهمترین عاملی که بتوان آن را انگیزه این عمل دانست این است که طبق اصل ۴۸ قانون اساسی مصوب ۱۳۲۸ به شاه اجازه داده شده بود که هر یک از مجلسین شورای ملی و سنا را به طور جداگانه یا هر دو مجلس را در آن واحد منحل نماید و شاید مصدق از این مسأله که شاه مجلس را منحل نماید واهمه داشت که در این صورت نیز چاره‌ای به غیر از برگزاری انتخابات نمی‌ماند، در عین حال که مراجعه به آرای عمومی به موجب هیچ یک از اصول قانون اساسی ممنوع نشده بود.^(۲) به طور کلی برگزاری رفراندم گذشته از ضرورت یا عدم ضرورت خود با مخالفت موافقان و مخالفان روپرور بود و بسیاری از هواداران و نمایندگان متعهد به نهضت ملی در عاقلانه بودن این تصمیم تردید داشتند. بسیاری از یاران مصدق از قبیل دکتر غلامحسین صدقی، خلیل ملکی، علی شایگان و کریم سنجابی بارها و بارها دلیل و برهان نادرستی این تصمیم را برای مصدق تشریح کردند، همگی آنان از این بیم داشتند که دشمن از این موقعیت برای اقدام به کودتایی استفاده کند که هر روز منتظرش بودند. وقتی صدقی به انحصار گوناگون به مصدق گفت که شاه ممکن است در غیاب مجلس او را از نخست وزیری عزل کند وی با اطمینان تمام

۱ - جیمز بیل، ویلیام راجر لوئیس، پیشین، ص ۹۷

۲ - محمد علی همایون کاتوزیان، مصدق و مبارزه برای قدرت، ترجمه فرازنه طاهری، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۳، ص ۲۳۱. این موضوع از دو منظر مورد توجه محققان بوده است: عده‌ای از صاحب نظران معتقدند از آن جا که در هیچ یک از اصول قانون اساسی مراجعه به آرای عمومی منع نشده بود پس منع قانونی برای آن وجود نداشت و گروهی دیگر معتقدند که از عدم منع مراجعه به آرای عمومی در قانون اساسی نمی‌توان رجوع به آن را استنباط نمود پس این عمل نمی‌توانسته محمل قانونی داشته باشد.

پاسخ داد که "شاه جرئت این کار را ندارد". پس از اعلام تصمیم مصدق مبنی بر برگزاری رفراندم حتی عبدالله معظمی که به جای کاشانی رئیس مجلس شده بود در اعتراض به این تصمیم مصدق از مقام خود استغفا کرد و پایتخت را ترک کرد. مخالفان نیز بلافضله شروع به اعلام مخالفت نمودند و با صدور بیانیه‌هایی این تصمیم را غیر قانونی و دیکتاتور مابانه خواندند. در اول ایام مرداد آیت‌الله کاشانی در اطلاعیه خود اعلام داشت که "... رفراندم مال مملوکی است که رژیم حکومت آن معلوم نیست و مشروطیت و قانون اساسی ندارد، یکبار رفراندم می‌کنند که رژیم مملکت را معین سازند والا در مملکتی که رژیم آن معین و قانون اساسی دارد و حکومت آن مشروطه است هیچ راهی برای فرار از استیضاح و دست زدن به رفراندم نیست در مملکت مشروطه مطابق قانون اساسی برای نخست وزیر حدود و ثغوری معین شده و هر کس بر خلاف این قوانین قدمی بردارد اقدام بر خلاف مشروطیت و قانون اساسی نموده و از لحاظ خیانت به کشور قابل تعقیب و مستحق شدیدترین مجازات است. آقای دکتر مصدق خوب می‌داند که اگر با آزادی و به طور طبیعی به آرا ملت مراجعه کند ۹۷٪ مردم علیه او رأی می‌دهند ولی چون تمام قوای کشور را در دست دارد و یک قانون من در آوردی امنیت اجتماعی و یک حکومت نظامی دائم مثل شمشیر بران بالای سر مردم نگه داشته و یک عده اویash و رجاله و چاقوکش توی کوچه‌ها راه می‌اندازد که در حمایت تانک و ارابه جنگی و سرنیزه نظامی به مخالفین هتاکی کنند رفراندم می‌کند آن هم با ترتیبی که موافق از مخالف معلوم و نام و تمام مشخصات رأی دهنده معین باشد با این ترتیب نتیجه رفراندم معلوم است. هر کس چنین رفراندمی بکند به کام او خواهد بود... ایشان اگر

راست می‌گویند و می‌خواهند رفراندم کنند و به عمل خلاف قانون دست نزنند وسائل ارتعاب و تخریفی که در دست دارد بر زمین بگذارد و خود استفعا بدهد و بعد رفراندم کند تا بداند که در میان مردم چقدر موافق دارد.^(۱) وی انحلال مجلس را خیانت و تقاضای اختیارات فوق العاده را از مردم در زمانی که مجلس وجود ندارد عین استبداد دانست و دولت را بخاطر چنان ۴۵ میلیون تومان اسکناس برای هزینه‌های رفراندم به باد حمله گرفت و در مقام اعتراض از هواداران خود خواست که در رفراندم شرکت نکنند و خود نیز از ریاست مجلس استعفا داد. از بین نمایندگان روحانی مجلس نیز شمس قنات آبادی و صفائی با رفراندم مخالفت کردند و فدائیان اسلام نیز مخالفت خود را اعلام داشتند. مسأله رفراندم علاوه بر سایر اختلافات موجود میان مصدق و کاشانی، جدایی میان این دو را غیر قابل اجتناب نمود. سایر مخالفان از جمله بقائی، مکی، حائری زاده و دیگران نیز طی بیانیه‌هایی این تصمیم را غیر قانونی دانسته و آیت الله بهبهانی نیز آنرا خلاف شرع و حرام خواند.^(۲) در مجموع کلیه احزاب و سازمانهای سیاسی و بعضی از علمای دینی، مخالفان مصدق، موافقان و نزدیکان وی مخالف برگزاری رفراندم بودند، اما او خود را با توجه به وضع مجلس ناچار به برگزاری رفراندم و نظر خواهی از مردم می‌دانست. شاید اشاره به این نکته خالی از لطف نباشد که در طرح تفصیلی کودتای انگلیس و امریکا که آزادس نام‌گذاری شده بود، تحریک نمایندگان مخالف به ایجاد اختشاش و بست نشستن در مجلس و در نتیجه خرابتر کردن اوضاع یکی از چهار بخش طرح

۱- اطلاعات، چهارشنبه هفتم مرداد ۱۳۳۲. سال ۲۸ شماره ۸۱۵۳

۲- کاتوزیان، پیشین، ص ۲۱۳.

کودتای مذکور بود که موفق شده بود از نظر عوامل و پایگاه داخلی کودتا وضعیت مجلس را به حالت مورد نظر کودتاگران درآورد^(۱) پس از اعلام رفراندم از جانب مصدق، مقررات مربوط به چگونگی برگزاری رفراندم در جلسه مورخ ۱۳۳۲/۵/۳ هیئت وزیران به شرح زیر تصویب شد:^(۲)

ماده ۱- به منظور مراجعته به آرای عمومی برای انحلال یا ابقاء مجلس ۱۷ در مقر هر فرمانداری یا بخشداری کمیسیون دو نفری مرکب از فرماندار یا بخشدار و دادستان یا رئیس دادگاه بخش که وظایف دادستان را انجام می‌دهند، در صورتیکه دادستان یا رئیس دادگاه بخش نباشد، نماینده دادستان و چنانچه نماینده مزبور نتواند حاضر شود یکی از کارمندان دولت که پایه او بیش از دیگران و در صورت مساوی بودن پایه، سن او بیشتر است تشکیل می‌شود.

ماده ۲- کمیسیون ۲ نفری پس از تشکیل بلا فاصله محلی را که گنجایش کافی داشته باشد برای رأی دهنگان موافق با انحلال

۱- مارک. ج. گازیورووسکی، سیاست خارجی آمریکا و شاه، ترجمه جمشید زنگنه، تهران، درسا، ۱۳۷۱ ص ۱۸۰. طرح کودتا شامل چهار قسمت بود: توانایی‌های تبلیغاتی و اقدام سیاسی بدامن بی‌درنگ علیه مصدق بکار گرفته شود. ۲- براین اساس نمایندگان مخالف تشویق شوند که در مجلس بست بنشینند و سرو صدایی به راه اندازند که وضع را بدتر کنند. ۳- موافقت شاه برای عزل مصدق و انتخاب زاهدی گرفته شود. ۴- پشتیبانی افسران کلیدی مشغول در ارتش نیز باید بدست می‌آمد. در توضیح شبکه بدامن گازیورووسکی می‌افزاید که این شبکه شبکه‌ای بود که از طریق CIA برای اجرای یک برنامه هماهنگ شده "بی‌ثبات سازی" و "تلاش همه‌جانبه" برای سرنگونی مصدق فعال شده بود. یکی از فعالیتهای بدامن این بود که مبارزه‌ای تبلیغاتی به راه اندازد و مصدق را به عنوان کسی که یکی از اجدادش بهودی بوده جلوه گرسازد. از نظر این محقق برنامه بدامن دست کم به طور نسبی مستول تظاهرات و نشایر ای های مجلس که در این دوره گریبانگر مصدق شده بود می‌باشد.

گازیورووسکی پیشین، ص ۱۸۲.

۲- اطلاعات، سه شنبه ۱۳۳۲/۶/۶

مجلس ۱۷ و همچنین محل دیگری بنام محل برای رأی دهنگان مخالف بالتحلال مجلس ۱۷ تعیین خواهد کرد. در بالای تمام مدخل‌های مزبور ورقه یا پارچه‌ای که در آن نام محل موافق یا مخالف نوشته شده باشد نصب خواهد شد.

ماده ۳-در هر محل یک یا چند راه برای ورود، یک راه برای خروج تعیین می‌شود تا رأی دهنگان پس از آمدن رأی وارث محوطه شده و از راهی که برای خروج تعیین شده خارج شوند و محل اخذ رأی باید نزدیک به محل ورود باشد و قبل از روز اخذ آراء، کمیسیون مکلف است برای تأمین انتظامات محل پیش‌بینی‌های لازم را بینماید.

ماده ۴-کمیسیون‌های دونفری به مناسبت عده رأی دهنگان هر محل دو یا چند انجمن نظارت تشکیل خواهد داد و هر انجمن مركب از ۷ نفر خواهد بود که مسن‌ترین اعضا سمت ریاست و جوان‌ترین سمت منشی انجمن را خواهد داشت.

ماده ۵-کمیسیون ۲ نفری، عده مساوی پنج برابر عده اعضای انجمن‌ها را از بین قضات دادگستری، استادان دانشگاه، کارمندان دولت و یا معتمدین قصبات دیگر دعوت خواهد نمود که برای روز قبل از اخذ آرا در محلی که کمیسیون تعیین خواهد کرد حاضر شوند و پس از آنکه دو ثلث از مدعوین حاضر شدند از میان حاضرین، اول انجمن‌های نظارت محل موافقین را بهمان ترتیب با قرعه تعیین خواهد کرد پس از آن نیز برای هریک از انجمن‌های موافقین و مخالفین به ترتیب شماره آنها هفت نفر برای تصدی هفت صندوق و هفت نفر دیگر بنام معتمدین محل با قيد قرعه تعیین خواهد نمود و در صورت غیبت هر یک از اعضاء انجمن و یا متصدی صندوق، معتمدین محل وظایف آنها را انجام خواهند داد.

ماده ۶- اخذ آرا اول در شهر تهران، ورامین، شهری، افجه، کرج، کن، شمیران، علیشاه عوض، طالقان، گرمسار، ایوانکی، دماوند، فیروزکوه، در یک روز و پس از هفت روز در سایر شهرها و قصبات به عمل خواهد آمد.

ماده ۷- روز اخذ آرا تعطیل عمومی خواهد بود، وزرات کشور موعد آنرا تعیین می‌کند و به وسیله فرمانداران و بخشداران به طریق مقتضی به اطلاع عموم می‌رساند.

ماده ۸- مدت اخذ رأی سه ساعت خواهد بود و در صورت شروع هر انجمنی می‌تواند ساعت اخذ رأی را به تشخیص خود و بدون وقهه تمدید کند و در هر حال اخذ و شمارش آرا نباید از یک روز تجاوز کند.

ماده ۹- نام، شهرت رای دهنده و شماره شناسنامه و محل صدور آن باید در ورقه رای نوشته شده باشد و سن او نباید از ۱۸ سال کمتر باشد.

ماده ۱۰ - رای دهنگان باید در ساعت مقرر در محل اخذ رای حاضر شوند و رای خود را بد亨ند پس از انقضای مدت، شکایت آنان پذیرفته نخواهد شد. اهالی دهات می‌توانند به شهرها و مراکز بخش نزدیک آمده و در دادن رای شرکت نمایند.

ماده ۱۱ - در هر یک از انجمن‌ها پس از خاتمه اخذ آرا بلافاصله آرای مأخوذه را شمرده و در صورت مجلسی که در دو نسخه تنظیم می‌شود قيد خواهد نمود، سپس یک نسخه را به کمیسیون ۳ نفری تسلیم می‌کند و نسخه دیگر نزد رئیس انجمن می‌ماند. کمیسیون مکلف است نتیجه کلیه آرا مأخوذه را در محل بلافاصله اعلام نموده و به وزارت کشور گزارش دهد.

ماده ۱۲ - وزرات کشور مکلف است پس از وصول گزارش از تمام نقاط کشور نتیجه استخراج کل آراء مأخوذہ از کشور را از موافق با انحلال یا مخالف آنرا به اطلاع عموم برساند.

ماده ۱۳ - صندوق های آرا برای اعضای انجمن مربوط لات و مهر شده و در فرمانداری یا بخشداری تا اعلام نتیجه کل آرا از طرف وزارت کشور باقی می ماند. سپس آرامهن محل بوسیله فرمانداری یا بخشداری معلوم خواهد شد.

ماده ۱۴ - وزرات کشور و وزارت دادگستری مأمور اچرای این تصویب نامه می باشند.

پس از اعلام نحوه اخذ آرا وزیر کشور نیز برای شروع رفراندم طی بخشنامه ای از فرمانداران و بخشداران خواست که از حوزه مأموریت خود خارج نشده و به آنانی که در مرخصی بودند نیز اطلاع داده شد که به محل مأموریت خود برگردند.^(۱)

پس از اعلام چگونگی برگزاری رفراندم در نهم مرداد زد و خورده بین طرفداران کاشانی و مصدق در منزل کاشانی که بر علیه رفراندم سخنرانی می شد درگرفت که منجر به دخالت مأموران انتظامی شد و آیت الله کاشانی بدنبال آن اعلام می دیگری مبنی بر تحريم رفراندم صادر کرد و طی آن اعلام نمود:... "شرکت در رفراندم خانه برانداز که با نقشه ا جانب طرح ریزی شده مغبوض حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه و حرام است، البته و البته هیچ مسلمان وطن خواهی شرکت نخواهد کرد....."

در دوازدهم مرداد دولت رفراندم را برگزار نمود و اگرچه در نهایت تلاش فراوان نمود که رای گیری و شمارش آرا در کمال آرامش و

صحت صورت گیرید اما در چند حوزه رای دهنده‌گان در بیرون حوزه‌های رای دست به ارعاب دیگران زده و اوضاع را مغلوش نمودند. دولت نتیجه این نظر خواهی را بشرح زیر اعلام نمود:^(۱)

نتیجه رفراندم در تهران	در شهرستان‌ها	جمع
۱۵۴۳۵۴۰ موافق	۸۵۹۸۴۹ موافق	۲۴۰۳۳۸۵۶
۶۸ مخالف	۱۱۳۲ مخالف	۱۲۰۰
	۲۴۰۴۵۸۹	جمع کل

در ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ مصدق طی فرمانی به شرح زیر انحلال مجلس دوره هفدهم را اعلام نمود:

"بنا به اراده ملت که به وسیله مراجعته به آراء عمومی اظهار شده بدینوسیله انحلال دوره هفدهم مجلس شورای ملی اعلام می‌گردد. انتخابات دوره هیجدهم مجلس شورای ملی پس از اصلاح قانون انتخابات و قانون تقسیمات کشوری بزودی انجام خواهد گرفت، بر طبق قانون اعلام خواهد شد.^(۲) دکتر مصدق".

پس از اعلام انحلال مجلس وی طی نامه‌ای به شرح زیر تقاضای صدور فرمان انتخابات را از شاه نمود: "پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی، چون در نتیجه مراجعته به آرا عمومی در تاریخ

۱ - کاتم در کتاب خود ناسیونالیسم در ایران به نقل از نیویورک تایمز تعداد آرای موافق را ۲۰۴۳۸۹ و مخالف را ۱۲۰۷ نفر ذکر کرده است (کاتم - ص ۳۹۳). ابراهامیان در کتاب خود "ایران بین دو انقلاب" کل آرای مأخوذه در کشور را ۲۰۴۴۶۰ و آرای موافق را ۲۰۴۳۰۰ و کل آرای اخذ شده در تهران را ۱۰۱۴۶۳ و آرای موافق در تهران را ۱۰۱۳۹۶ نفر ذکر نموده است.

۲ - باخته امروز، یکشنبه ۲۵/۶/۱۳۳۲ - شماره ۱۱۷۲.

دوازدهم و نوزدهم مرداد ماه ۱۳۳۲ ملت ایران به انحلال دوره هفدهم مجلس شورای ملی رای داده است از پیشگاه مبارک اعلیحضرت استدعا می‌شود امر و فرمان انتخابات دوره هیجدهم صادر شود تا دولت مقدمات انتخابات را فراهم نماید^(۱)"دکتر محمد مصدق"

اما پیش از صدور فرمان انتخابات دوره هیجدهم کودتای ۲۸ مرداد بساط دولت مصدق را در هم پیچید. پس او کودتا دولت بعدی قاعده‌تاً دو راه بیشتر پیش رو نداشت: یا با توجه به تحریم رفراندم و ادعای مغایرت آن با قانون اساسی و تاکید بسیاری از مخالفان بر غیر قانونی بودن آن رفراندم لغو شود و مجلس با همان ترکیب قبلی مجددآ شروع بکار نماید و یا این که رفراندم و نتایج آن پذیرفته شود و انتخابات جدید برگزار شود. اما علیرغم این که به نظر می‌رسید دولت جدید می‌باشد رفراندم و نتایج آن را لغو اعلام کند و مجلس قبلی با همان نمایندگان پیشین تشکیل شود، با توجه به ترکیب نمایندگان که اکثراً از نهضت ملی بوده و قبلاً نیز استعفا داده بودند، تحریم مورد ادعا و غیر قانونی بودن آن عملاً فراموش شد و دولت جدید انتخابات عمومی برای تشکیل مجلس هیجدهم را در سال ۱۳۳۳ برگزار نمود.

در خصوص نحوه برگزاری رفراندم بعضی از محققان براین عقیده‌اند که رفراندم با بی‌سلیقه‌گی تمام برگزار شد،^(۲) به ویژه ترتیب برگزاری آن را بحث‌انگیز و مغایر با روش‌های عادی دمکراتیک

۱ - سفری، پیشین، ص ۸۱۷

۲ - کاتوزیان، پیشین، ص ۲۳۱-۲۲۸

دانسته‌اند.^(۱) جدا کردن مخالفان و موافقان از یکدیگر و تعیین حوزه‌های جداگانه رأی‌گیری برای هر یک، عدم نظرخواهی از مناطق روستائی به دلیل این که جمع آوری و شمارش آرای روستاهای یک بار برای رفراندم و بار دوم برای انتخابات جدید بیش از حد به طول می‌انجامید و از نظر دولت مشکل می‌نموده باز نکاتی بود که از دیدگاه

مخالفان صحت نتایج حاصله را به زیر پرسش می‌برند.^(۲)

نتیجه همه پرسی اگر چه در نظر مصدق و طرفدارانش یک رأی اعتماد بسیار مؤثر به دولت و متضمن محکومیت آنکارگروههای مخالف آن به شمار می‌رفت، اما برای کسانی که در صدد سرنگونی خشونت‌آمیز دولت بودند، به ویژه عوامل انگلیس و امریکا فرصتی را بوجود آورد که مدت‌ها در انتظارش بودند.^(۳) بخصوص آنکه جلوه دادن آن به عنوان یک حرکت خلاف قانون اساسی بیش از هر عامل دیگری شاه را قادر ساخت که به نام "حفظ قانون اساسی" قدم به پیش بگذارد.^(۴) تنها چند روز پس از پایان رفراندم و اعلام انجام مجلس دوره هفدهم، کودتای ۲۸ مرداد باعث سقوط مصدق گردید.

۱ - فخرالدین عظیمی، بحران دمکراسی در ایران، ترجمه عبدالرضا هوشک مهدوی و بیژن نوذری، تهران نشر البرز، ۱۳۷۴، ص ۴۵۲.

۲ - بیل و لوئیس، پیشین، ص ۱۴۲.

۳ - گذشته چراغ راه آینده، تهران، جامی، بی تا ص ۶۰: به محض این که نتیجه رفراندم در تهران اعلام گردید آیینه‌اور طی یک مصاحبه مطبوعاتی گفت:... تهدید کمونیست‌ها نسبت به آسیا برای امریکا بسیار شوم و نحس است. گمان می‌کنم امروز صبح در روزنامه‌ها خواندید که مصدق توانست بر پارلمان فائق آید و خود را از شر آن خلاص کند. البته مصدق در این اقدام از احزاب کمونیست ایران استفاده می‌برد. تمام این اوضاع آن صفحات برای امریکا شوم و نحس می‌باشد زیرا اگر دنیا این نقاط را از دست بدهد چگونه می‌تواند امپراطوری ثروتمند اندونزی را نگاه دارد. در این صورت ملاحظه می‌کنید که این راه را در جایی باید مسدود کرد و دیر با زود بایستی مسدود گردد و ما مصمم به این کار هستیم.

۴ - عظیمی، پیشین، ص ۴۵۲.

اگر چه او اصل کلی حاکمیت ملت بر سرنوشت خویش را مبنای رفاند و مستند عمل خود قرار داد و تلاش نمود که در درگیری بین قوه مجریه و مقننه دمکراسی مستقیم را از طریق حضور مردم و با اتکا به نظریه اراده عمومی اعمال نماید، اما نتیجه حاصل، تسریع روند کودتای طراحی شده به وسیله عوامل خارجی ^{برگزاری رفاند} و کمک عوامل داخلی بود و بسیاری از محققان و پژوهشگران ^{برگزاری رفاند} را از دلایل و اسباب تسریع سقوط مصدق دانسته‌اند.^(۱)

۱ - برواند ابراهامیان، ایران بین دو انقلاب ترجمه کاظم فیروزمند، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۷، ص ۲۴۷.

برای دومین بار در سال ۱۳۴۱ در تاریخ سیاسی کشور، رفراندم مورد استفاده قرار گرفت همانگونه که پیشتر اشاره رفت در قانون اساسی و متمم آن هیچ گونه اشاره‌ای به مراجعته به آرای عمومی در موقع ضرور و لازم نشده بود اما در بهمن ۱۳۴۱ محمد رضا شاه به استناد اصل بیست و هفتم متمم قانون اساسی^(۱) که برای هر یک از سه منشاء شاه، مجلس شورای ملی و سنا حق انشا قانون را قائل شده و اصل بیست و ششم که قوای مملکت را ناشی ملت ذکر کرده است^(۲) ۶ لایحه قانونی را به رأی عمومی نهاد.^(۳)

۱ - اصل ۲۷ متمم قانون اساسی: قوای مملکت به سه شعبه تجزیه می‌شود. اول فوه مقنه که مخصوص است به وضع و تهدیب قوانین و این قوه ناشی می‌شود از اعلیحضرت شاهنشاهی و مجلس شورای ملی و مجلس سنا. هر یک از این سه منشأ حق انشا قانون دارد ولی استقرار آن موقوف است به عدم مخالفت با موازین شرعیه و تصویب مجلسین و توشیع بصحه همابونی، لکن وضع و تصویب قوانین راجمه به دخل و خروج مملکت از مختصات مجلس شورای ملی است. شرح و تفسیر قوانین از وظایف مختصه مجلس شورای ملی است.

۲ - اصل ۲۶ متمم قانون اساسی: قوای مملکت ناشی از ملت است، طریقه استعمال قوا را قانون اساسی تعیین می‌نماید.

۳ - متن فرمان به شرح زیر است:

با تأییدات خداوند متعال ۴۱/۱۱/۲۴ شماره ۶/۱۷۴۷۹
ما پهلوی شاهنشاه ایران

نظر به این که اعتلاء کشور و ارتقا اجتماعی و اقتصادی ملت ایران بزرگترین هدف و منظور ما در تحولات اخیر بوده است و از آنجاکه شایسته ترین طریق نیل به آن هدف را شریک و سهیم ساختن ملت ایران در تعیین سرنوشت خود تشخیص داده‌ایم و به این منظور با عنایت به اصل بیست و هفتم متمم قانون اساسی قوانینی را که برای تمهید مبانی ترقی و تعالی ملت ایران لازم بود انشا کرده و طبق اصل بیست و ششم آن قانون که مقرر می‌دارد قوای مملکت ناشی از ملت است برای اظهار نظر ملت ایران به تصویب عمومی قراردادیم. اینک چون لوایح مزبور مورد تأیید اکثریت قریب به اتفاق رأی دهنندگان ملت ایران واقع شده است مقرر می‌داریم که لوایح قانونی زیر: ۱- لایحه اصلاح قانون اصلاحات ارضی مصوب نوزدهم دی ماه ۱۳۴۰ و ملحقات آن. ۲- لایحه قانونی ملی کردن جنگلهای. ۳- لایحه قانونی فروش سهام کارخانجات دولتی به عنوان پشتوانه اصلاحات ارضی. ۴- لایحه قانونی سهیم کردن کارگران در منافع گارگاههای تولیدی و صنعتی. ۵- لایحه ایجاد سپاه دانش. ۶- لایحه اصلاحی قانون انتخابات که

زمینه‌های سیاسی و اجتماعی رفاندم ششم بهمن ۱۳۴۱

در دهه پس از کودتای ۱۳۳۲ شاه کوشید قدرت خود را ثبیت کند. او رهبران کودتا را در مقامهای حساس گماشت و برای مقابله با ورشکستگی اقتصادی حکومت جمعاً ۱۴۵ میلیون دلار بین سالهای ۱۳۳۲-۳۶ از ایالات متحده کمک اضطراری گرفت و سازمان اطلاعات و امنیت کشور را ایجاد کرد. بحران اقتصادی از سال ۱۳۳۲ که حکومت با آشکار شدن عدم کفايت در آمد نفت برای انجام برنامه هفت ساله و تأمین هزینه‌های روزافزون نظامی به تأمین کسر بودجه و استقرار از خارج متولّ شد، شکل گرفته بود. تأمین کسر بودجه، همراه با محصول کم در سالهای ۱۳۳۸-۳۹، شاخص هزینه زندگی را

نقل از صفحه قبل:

با تصویب ملی استقرار و قطعیت یافته است پس از توشیح ما به عنوان قانون مملکتی به موقع اجرا گذاشته شود. - شماره ۱۳۴۱/۱۱/۹ - ۱۴۰۶۹۲۲/۱۱/۴۱ دفتر مخصوص شاهنشاهی، محل مهر نخست وزیر.

که در سالهای ۳۶-۳۳ ثبات یافته بود تا ۳۵٪ بین سالهای ۳۹-۳۶ بالا برد. در عین حل استقراض هنگفت اندوخته‌های کشور را کاملاً مصرف کرد و ایران را به در خواست کمک اضطراری هم از صندوق بین المللی پول و هم از ایالات متحده مجبور ساخت. صندوق بین المللی پول قول داد اگر ایران بودجه‌اش را اصلاح کند، حقوق و دستمزد‌ها را ثابت نگهداشد و بعضی پروژه‌های عمرانی را مسکوت گذارد ۳۵ میلیون دلار به ایران پردازد. کابینه کنده لیبرالی این اعتقاد که اصلاحات لیبرالی بهترین تضمین در برابر انقلاب کمونیستی است ۸/۵ میلیون دلار پیشنهاد کرد به این شرط که شاه چهره‌های لیبرال را وارد کابینه کند و گامهای موثری برای انجام اصلاحات ارضی بردارد. این معضلات اقتصادی و فشارهای خارجی به تدریج باعث بی‌ثباتی رژیم شده و اعتصابات کم افزایش یافت و گاه به رویارویی خونین بین اعتساب‌کنندگان و نیروهای نظامی منجر شد.^(۱) در دیماه ۱۳۳۸ شاه فرمان انتخابات مجلس دوره بیستم را صادر کرد، فعالیتهای انتخاباتی بسیار شدید بود و به دلیل اعمال نفوذ دولت نتیجه به سود حزب ملیون (حزب اقبال نخست وزیر) اعلام شد. دکتر امینی و مظفر بقایی علیه انتخابات اعلام جرم و آنرا تحریم کردند. با توجه به بحران اقتصادی، آگاهی فزاینده مردم از فساد و بی‌کفایتی رژیم و خصومت علنی شوروی، شاه بر آن شد که به تاکتیک دیرینه‌اش یعنی لیبرالیزه کردن متولّ شود پس در ۳۹/۶/۶ از شرایط پیش آمده ابراز تأسف کرده و قول انتخابات آزاد را داد.^(۲) در نتیجه اقبال همان روز از سمت

۱ - ابراهامیان، پیشین، ص ۳۸۵-۳۸۲.

۲ - محمد علی همایون کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی، (تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۳) ص ۲۵۸

خود استعفا کرد و شاه از نمایندگان منتخب خواست که داوطلبانه استفعا دهند و وزارت کشور دستور توقف انتخابات را داد. دستور انتخابات جدید در ۱۹ دی ماه ۳۹ صادر شد که این انتخابات هم به همان نتیجه قبلی رسید که با اعتراض و مخالفت احزاب و سازمانهای سیاسی و مردم روپرورد شد، علیرغم این اعتراضات اگر چه مجلس در اسفند ۳۹ گشایش یافت اما به دلیل اعتراض آموزگاران و اوضاع آشفته اقتصادی - سیاسی اجتماعی کشور در ۲۰ دیبهشت ۱۳۳۰ شاه مجبور شد فرمان انحلال مجلسین را صادر کند و با کنارگیری شریف امامی به ناچار به دو دلیل دکتر علی امینی را به نخست وزیری منصوب نماید: ۱- حمایت و پشتیبانی امریکا از امینی که در اواخر دهه ۳۰ به عنوان سفیر ایران در واشنگتن اعتماد امریکا را جلب کرده بود و در مذاکرات ۱۳۳۳ به عنوان رئیس هیئت ایرانی در مذکوره با شرکتهای نفتی توانایی خود را نشان داده بود و در عین حال نشان داده بود که مدافعان اصلاحات ارضی می‌باشد. اما شاه بشخصه نسبت به امینی بی اعتماد بود زیرا علاوه بر بدبینی نسبت به روابط گذشته او با قوام و مصدق، تصور می‌کرد که وی علاوه بر اصلاحات اقتصادی در صدد انجام تغییرات سیاسی نیز هست. چنانچه بعدها نیز در مصاحبه‌ای با یک خبرنگار امریکایی اقرار کرد که حکومت کنندی او را مجبور ساخت که امینی را نخست وزیر کند.^(۱) ۲- انتخاب چهره‌های دیگر یا یکی از رهبران جبهه ملی ممکن بود پیامدهای نامعلومی داشته باشد و مشکلاتی را مطرح سازد به خصوص سایه مصدق که مورد نفرت شاه بود بر جبهه و رهبران آن تأثیر مستقیم داشت. شاه در مذاکرات با امینی برای این که بتواند اصلاحات خود را اعمال کند

پذیرفت که مجلس را منحل نموده و درجه‌ای از آزادی مطبوعات و سایر آزادی‌ها برقرار شود و در عوض امینی نیز پذیرفت که ارتش و سواک در کنترل شاه باشد. نخست وزیری امینی تغییراتی را در جو سیاسی کشور به دنبال داشت که از کودتای ۱۳۳۲ به بعد بی سابقه بود. نارضایتی عمومی از اوضاع نابسامان اقتصادی، اختناق سیاسی، مسأله آزادی فعالیت‌های گروههای سیاسی، روابط ایران با امریکا و شوروی و نیز ادامه فعالیت ایران در سنتو، مسائلی بود که دولت امینی با آن روبرو بود. پس از انحلال مجلس بیستم، امینی با انتخاب درخشش به عنوان وزیر فرهنگ، اعتصابات آموزگاران را پایان داد و از نظر اقتصادی نیز سیاست تحدید واردات و کنترل خروج ارز را اعمال نمود. از جهت سیاسی نیز با دستگیری تعدادی از امرای ارتش به اتهام دزدی، در جلب اعتماد عمومی تلاش نمود و در عین حال فضای سیاسی کشور از گشايش بيشتری برخوردار و از بار فشار و اختناق تا حدودی کاسته شد. اما علیرغم انتخاب مهره‌هایی مانند ارسنجانی برای اجرای اصلاحات ارضی و توسعه کشاورزی، مبارزه با فساد و بهبود بخشیدن به اوضاع مالی کشور، برنامه اصلاحاتی وی در عمل نتوانست به دلایل زیر به اجرا درآید: ۱- تلاش او برای گرفتن وام‌های بیشتر از امریکا برای اصلاحات ارضی به دلیل عدم تمایل امریکا به پرداخت وام‌های کلان به ایران ناموفق ماند و از طرف دیگر کوششهاش برای گرفتن وام از کشورهای اروپایی (آلمان و فرانسه) برای جبران کسری بودجه نیز به جایی نرسید. به عقیده امینی کسری بودجه ناشی از بالا بودن بودجه نظامی کشور ($\frac{1}{3}$ کل بودجه) بود، در حالیکه شاه با کاهش بودجه نظامی شدیداً مخالفت می‌کرد. ۲- او به تدریج استقلال عملش را بخاطر حمایت بیشتر امریکا از شاه در

مقابل شاه از دست داد زیرا شاه در سفر خود به امریکا و مذاکره با کنندی موفق به جلب حمایت بیشتر امریکا گردید. ۳- امینی فاقد پایگاه و نیروی سیاسی بود که بتواند از او حمایت کند و ایالات متحده نیز به مرور به دو دلیل دست از حمایت او کشید: یکی آنکه امینی هم مانند سایر پیشنهادیان خود نتوانست پایگاه مهم مردمی به دست آورد و دوم آنکه برنامه اصلاحی وی غیرقابل پیش بینی بود، چه از یک سو به رهبری ارسنجانی در مسیری انقلابی سرگردان بود از سوی دیگر حتی ابتدائی ترین خواسته های روشنفکران ایرانی را برآورده نکرده بود، افزون براین، تصمیم گیرندگان امریکایی به این نتیجه رسیدند که شاید ناآرامی های فزاینده در ایران در آتیه نیاز به واکنش سرکوب کننده و ظالمانه تری داشته باشد که شخص دیگری (علم) بتواند آنرا درک نموده و به اجرا در آورد^(۱)

پس از بازداشت امرای ارتش به جرم فساد به تدریج نشانه های اختلاف مابین شاه و امینی شکل گرفت و با سنگین شدن کفه قدرت به نفع شاه او ناچار به استعفا گردید. دولت امینی نتوانست به وعده ها و اصلاحات خود عمل کند و کشور را از بحران اقتصادی و سیاسی که دچار آن بود نجات دهد و اوضاع داخلی کشور به چنان و خامتی گراییده بود که خطر انفجارات اجتماعی را در برداشت. اگر چه برای کاهش و خامت اوضاع و جلوگیری از گسترش نارضایتی مردم اصلاحات ناگزیر می نمود و اصرار زمامداران امریکا بر اصلاحات و تاکید کنندی بر عدالت اجتماعی نیز مزید بر علت بود اما علیرغم عضویت ایران در سنتو و کمک های نظامی و اقتصادی امریکا و وامهای خارجی به نظر می رسد در صورت عدم انجام اصلاحات،

۱- علیرضا از غندی، روابط خارجی ایران (تهران، نشر قومس، ۱۳۷۶) ۲۸۰ ص.

حفظ رژیم موجود قابل تضمین نیست. در تابستان ۱۹۶۲ لیندون ب. جانسون معاون رئیس جمهور امریکا در سفر به ایران، علاقمندی واشنگتن به اجرای اصلاحات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی در ایران را برای زمامداران ایرانی توضیح داد.

روزنامه لوموند چاپ فرانسه در این مورد نوشت: ایالات متحده امریکا خواستار تجدید سازمان رژیم (ایران) با روح لیبرال‌تری است و اصرار دارد که در ایران اصلاحات ارضی ~~الحاجم~~ گیرد، دولت با وجهه‌ای روی کار آید و با فساد، اخاذی و رشوه خواری که حتی بخش اعظم کمک‌های مالی امریکا را می‌بلعد مبارزه جدی شود.^(۱) شاه در ابتدا زمانیکه امینی مرحله اول اصلاحات را به اجرا گذاشت، سعی کرد به بزرگ مالکان متحد خود القا کند که اصلاحات ارضی توطئه امریکاست که او در آن نقشی ندارد، اما به مرور دریافت که اگر از موضع انتقادی خود نسبت به اصلاحات ارضی دست برندارد قادر نخواهد بود که حمایت امریکا را جلب کند و در این صورت امینی و ارسنجانی با اجرای برنامه موقعیت قدرتمندتری نسبت به او خواهند داشت، پس به واشنگتن رفت. او در این سفر با بیشتر شخصیت‌های مهم سیاسی و اقتصادی امریکا دیدار کرد و در ملاقات بسیار صمیمانه خود با کنندی به وی قول داد طبق توصیه‌های او الیت خواسته‌های خود را از مسائل نظامی به تأمین نیازهای اقتصادی و اجتماعی تغییر دهد و توانست موافقت کنندی را برای ادامه اصلاحات توسط خود جلب کند^(۲) و با گرفتن اطمینان‌هایی در مقابل

۱ - م. ابرانف، تاریخ نوین ایران ترجمه هرشنگ تیزابی و حسن قائم پناه (تهران، بی‌نا، ۱۳۵۶) ص ۲۱۷-۲۱۹.

۲ - از غندی، پیشین، ص ۲۸۰.

قول احتمالی اجرای اصلاحات ارضی به ایران برگردد. دستاوردهایی‌گر این سفر برکناری امینی بود. شرایط و اوضاع مساعد علیه امینی، نارضایتی سیاسی، وضعیت بد اقتصادی، مخالفت جبهه ملی و طرفداران نظامی و غیر نظامی شاه و مالکان بزرگ و نیز خصومت همه جانبیه شوروی نسبت به امینی در عین حال آینه‌فکر را برای شاه پیش آورد که ضمن قرار و مداری با روس‌ها در خارج، حضور دست به انقلاب زند، بویژه برقراری روابط حسنی با شوروی توانست تبلیغات زیان بار را علیه او متوقف نموده و رهبری حزب توده را نیز تا حدود مؤثری بی اعتبار کرد. انقلاب از نظر شاه می‌توانست او را همچون رهبری قدرتمند و مترقبی به جهانیان بشناساند و دهقانان ایران را دست کم برای یک دوره حساس به پشتیبانی او برانگیزاند و مالکان را بعنوان یک طبقه و به همراه پایگاه اقتدارشان از میان بردارد، جماعت‌های مستقل و نسبتاً خطرناکی مثل بازار، پیشوایان مذهبی را محدود کند و اپوزیسیون را که شاه را نماینده طبقه فئوال و نوکراپریالیسم امریکا میدانستند گیج و سرگشته کند^(۱). پس برنامه ۶ ماده‌ای انقلاب خود را بطور کلی و به سبک دوگل به رفراندم گذاشت و دولت علم که پس از استعفای امینی روی کار آمد مأمور شد که برای رفع نگرانی سردمداران امریکا که دلوای پس بروز یک انقلاب در ایران بودند "برنامه انقلاب سبز" امریکایی‌ها را به نام اصلاحات ارضی در ایران پیاده کند.

هدف و انگیزه اصلی رژیم از برگزاری این انقلاب فاقد فواید اقتصادی و اجتماعی بلکه عمدتاً سیاسی بود، چنانچه داریوش همایون مفسر سیاسی و یکی از عوامل رژیم شاه آشکارا نوشت:

۱- کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران، پیشین، ص ۲۷۳ - ۲۷۱.

"اصلاحات ارضی راهی به بیرون از بن‌بست سیاسی است." بعبارت دیگر هدف عمدۀ آن سرکوب مخالفان سیاسی و کسب پایگاه مردمی و هدف دیگر دور کردن توجه مردم از انتخابات دورۀ ۲۱ مجلس بود. پس در ۱۹ آبان ۱۳۴۰ که هر دو مجلس شورای ملی و سنا تعطیل بود شاه اعلام کرد که به موجب قانون اساسی از حق قانونگذاری برخوردار است اگرچه این ادعای شاه به استناد همان ^{اصل ۲۷} متمم قانون اساسی که استقرار قوانین را موقول به تضویب مجلسین میدانست خلاف قانون اساسی بود اما کابینه علم با گذراندن تصویب‌نامه‌هایی به کار قانونگذاری پرداخت. شاه طبق قانون اساسی مجبور بود که به محض انحلال مجلس فرمان انتخابات جدید را صادر کند اما به این کار مبادرت نکرد و در عوض برای اجرای لوایح، تصویب‌نامه هیئت دولت را کافی به مقصد دانست و با استفاده و استناد به حقوق قانونی خود هیئت دولت را مأمور انجام این کار نمود. او عقیده داشت که لوایح جدید را میتوان موقتاً یا بطور آزمایشی (پس از صدور فرمان وی) به مرحله اجرا گذاشت تا معایب و نواقص آن معلوم و برطرف شود و پس از تشکیل مجلس جهت تصویب و تبدیل آن به قانون اقدام نمود و بر اساس این نظربرنامه اصلاحات خود را به رفاندم گذاشت تا بعداً پس از تشکیل مجلس بتصویب آن برسد پس در شش بهمن ۱۳۴۱ منشور ۶ ماده‌ای خود را به رفاندم گذاشت.^(۱) نتایج همه‌پرسی ۹۹/۹٪ رأی موافق رأی دهندگان اعلام شد.^(۲)

۱- کاتم، پیشین، ص ۳۹۳.

۲- پیتر آوری، تاریخ معاصر ایران از کودتای ۲۸ مرداد تا ۱۳۳۲ اصلاحات ارضی، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، عطائی، جلد سوم، ۱۳۷۱ - آوری به استناد جراید تعداد آراء را ۵۵۹۸۷۱۱ نفر مرد و ۲۷۱۱۷۹ نفر زن ذکر میکند که به رفاندم شاه پاسخ مثبت دادند. ص .۱۹۹

آرای موافق	آرای مخالف	جمع کل آرا
۵۵۹۸۷۱۱	۴۱۱۵	۵۵۶۰۲۸۲

نکته برجسته و عمده منشور ۶ ماده‌ای شاه، لایحه اصلاحات ارضی بود که از زمان امینی شروع شده بود و با سنگانی وزیر کشاورزی او نخستین گامهای جدی را جهت تفسيم اراضی در سراسر ایران برداشت اما پس از سقوط امینی محتوای رادیکال آن از بین رفت و شاه خود مدعی آن شد و اهداف و نتایجی کاملاً متفاوت با تفکر بنیانگذاران اولیه آن به دست داد. مخالفت بسیاری از اقتدار از جمله روحانیون با اصلاحات ارضی حتی قبل از رفراندم ششم بهمن بتدریج با توجه به اوضاع و شرایط، زمینه‌های مخالفت مردمی را برانگیخته بود از جمله تصویب لایحه انجمان‌های ایالتی و ولایتی که قبل از برگزاری رفراندم باعث ابراز مخالفت امام خمینی گردید. در این لایحه که در ۱۶ مهر ۱۳۴۱ اعلام شد، شرط مسلمان بودن برای بسیاری از پست‌های مهم مملکتی و لزوم سوگند به قرآن حذف شده و موضوع شرکت زنان در انتخابات در لایحه اصلاح قانون انتخابات گنجانده شده بود، باعث شد که امام خمینی طی تلگرافی در ۱۵ آبان ۴۱ به شاه خاطرنشان سازد که: "...انتظار ملت مسلمان آنست که با امر تأکید آقای علم را ملزم فرمائید ایشان از قانون اسلام و قانون اساسی تبعیت کند و از جسارتی که به ساحت قرآن کریم نموده استغفار نماید...." شاه پاسخ تندی به تلگراف امام خمینی داد و بعد در سفر خود به قم روحانیون را تهدید کرد تا مگر از این طریق از مخالفت با رفراندم جلوگیری نماید. بغير از موضع امام خمینی،

موضع بسیاری از سازمانها و نهادهای سیاسی در قبال رفرازمند موضعی انفعالی و حاکی از سرگردانی بود، بویژه جبهه ملی که در طول ماههای تدارک این رفرازمند هیچ اظهار نظری در مورد اصول مختلف آن نکرد بجز آنکه در جزوه کوچکی که قبلًا منتشر ساخته بود تلویج‌آغاز اشاره کرد که از آنجاییکه فتووالیسم در ایران وجود نداشته است، انجام اصلاحات ارضی در کشور بجز معنا خواهد بود، رهبران جبهه که در مقابل رفرازمند بكلی غافلگیر شده بودند در آستانه برگزاری آن بیانیه‌ای منتشر ساختند که بخش اعظم آن به بحث درباره فقدان آزادی در کشور اختصاص داشت و تنها به مردم توصیه میکرد که در برابر رفرازمند بگویند: "اصلاحات ارضی و غیره آری... دیکتاتوری نه". در حقیقت این نمونه رهنمود در شرایطی که همه میدانستند که شرکت در رفرازمند فقط مستلزم پاسخ آری یا نه است کمکی به هواداران آن نمیکرد. ملاکان نیز به دلیل اینکه اصلاحات ارضی منافع آنانرا به خطر می‌انداخت مخالف آن بودند. اما عمدت‌ترین مخالفتها از جانب روحانیون بخصوص امام خمینی بعمل آمد که در پاسخ به پرسش جمعی از متدینین تهران، فتوائی بشرح زیر درباره رفرازمند ششم بهمن ۴۱ صادر نمودند: "حضور محترم حضرت مستطاب حجۃ‌الاسلام و المصلیمین آیة‌الله العظمی فی الارضین آقای حاج آقا روح‌الله خمینی دام ظله العالی علی رئوس الانام. تقاضا داریم نظریه خودتان را در موضوع تصویب ملی که در مطبوعات اعلان شده بیان فرمائید - جمعی از متدینین تهران.

بسم الله الرحمن الرحيم، هرچند میل نداشتم به اظهار مطلب، لهذا مصالح و مفاسد را بوسیله آقای بهبودی به اعلیحضرت تذکر دادم و انجام وظیفه نمودم و مقبول واقع نشد اینک باید به تکلیف شرعی

عمل کنم. به نظر اینجانب رفاندم که به لحاظ بعضی اشکالات به اسم تصویب ملی خوانده شده مخالف رأی جامعه روحانیت اسلام و اکثریت قاطع ملت است در صورتیکه تهدید و تطمیع در کار نباشد و ملت بفهمد که چه میکند. اینجانب عجالتاً از بعضی جنبه های شرعی آن که اساساً رفاندم یا تصویب ملی در قابل اسلام ارزش ندارد و از بعضی اشکالات اساسی قانونی آن برای مصالحی ^{پس از} ~~پس از~~ ^{به} ~~به~~ صرفنظر میکنم فقط پیاره ای اشکالات اشاره می نمایم:

۱- در قوانین ایران رفاندم پیش بینی نشده و تاکنون سابقه نداشته جز یک مرتبه آن هم از طرف مقاماتی غیرقانونی اعلام شد و ب مجرم شرکت در آن جمعی گرفتار شدند و از بعضی حقوق اجتماعی محروم گردیدند معلوم نیست چرا آنوقت این عمل غیرقانونی بود و امروز قانونی است.

۲- معلوم نیست چه مقامی صلاحیت دارد رفاندم نماید و این امریست که باید قانون معین کند.

۳- در ممالکی که رفاندم قانونی است باید بقدرتی به ملت مهلت داده شود که یک یک مواد آن مورد نظر و بحث قرار گیرد و در جراید و وسائل تبلیغاتی آراء موافق و مخالف منعکس شود و بمردم برسد نه آنکه بطور مبهم و با چند روز فاصله بدون اطلاع ملت اجرا شود.

۴- رأی دهنگان باید معلوماتشان به اندازه ای باشد که بفهمند به چه رأی میدهند، بنابراین اکثریت قاطع حق رأی دادن در این مورد را ندارند و فقط بعضی اهالی شهرستانها که قوه تشخیص دارند صلاحیت رأی دادن در مواد ششگانه را دارند که آنهم بی چون چرا مخالف هستند.

۵- باید رأی دادن در محیط آزاد باشد و بدون هیچگونه فشار و زور

و تهدید و تطمیع انجام شود و در ایران این امر عملی نیست و اکثربت مردم را سازمانهای دولتی در تمام نقاط و اطراف کشور ارعاب کرده و در فشار و مضيقه قرار داده و میدهند و اساساً پیش آوردن رفرازندم برای آن است که تخلفات قانونی قابل تعقیب که ناچار مقامات مسئول گرفتار آن میشوند لوث شود و کسانیکه در مقابل قانون و ملت مسئول هستند اعلیحضرت را اغفال کرده‌اند که بنفع زبان این عمل را انجام دهند، اینان اگر برای ملت می‌خواهند کاری انجام دهند چرا به برنامه اسلام و کارشناسان اسلامی رجوع نکرده و نمیکنند تبا اجرای آن برای همه طبقات زندگی مرفه تأمین شود و در دنیا و آخرت سعادتمند باشند. چرا صندوق تعاونی درست میکنند که حاصل دسترنج زارع را ببرند. با تأسیس این چنین صندوق تعاون بازار ایران بکلی از دست میرود و بازرگانان و کشاورزان بخاک سیاه می‌نشینند و در نتیجه سایر طبقات نیز بهمین روز مبتلا می‌شوند، اگر ملت ایران تسلیم احکام اسلام شوند و از دولتها بخواهند برنامه مالی اسلام را با نظر علماء اسلام اجرا کنند تمام ملت در رفاه و آسایش زندگی خواهند کرد. مقامات روحانی برای قرآن و مذهب احساس خطر میکنند و بنظر میرسد این رفرازندم اجباری مقدمه برای از بین بردن مواد مربوط به مذهب است، علماء اسلام از عمل سابق دولت راجع به انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی برای اسلام و قرآن و مملکت احساس خطر کرده‌اند و بنظر میرسد که همان معانی را دشمنان اسلام میخواهند بدست جمعی مردم ساده دل اغفال شده اجرا کنند، علماء اسلام وظیفه دارند هر وقت برای اسلام و قرآن احساس خطر کردنده به مردم مسلم گوشزد کنند که در پیشگاه خداوند مسئول نباشند. از خداوند متعال حفظ قرآن مجید و استقلال مملکت را خواهانیم. -

روح‌الله موسوی‌الخمینی^(۱).

بیهودگی آنچه که در بهمن ۴۱ کاشته شده در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ آشکار شد که هزاران نفر کسبه، روحانیون، کارمندان، معلمان، دانشجویان، مزدبگیران و کارگران بیکار در ایام محرم در اعتراض به شاه به خیابانها ریختند، این اعتراضات از سردمداران اصناف، تجار بازار، جبهه ملی و مهمتر از همه از شخصیت جدید و شاخص در میان مخالفان یعنی آیت‌الله روح‌الله خمینی سیرچشم میگرفت. خیزش‌های خرداد ۴۲ سه روز طول کشید و صدها و شاید هزاران کشته بر جای گذاشت و نه تنها تهران و قم بلکه اصفهان، شیراز، مشهد و تبریز را لرزاند. اگرچه رژیم توانست توفان را مهار کند اما بذر آن چونان نیروی بالقوه‌ای نهفته در دل زمان باقی ماند تا بتدریج ریشه دواند و در زمان مناسب جوانه زند.

پس از حمله رژیم به فیضیه قم آیت‌الله خمینی سخنرانی با محتوى زیر ایراد کرد: بسم الله الرحمن الرحيم، إنا لله و إنا إليه راجعون بوسیله... خدمت ذیشرافت حضرات علماء اعلام.... تلگراف محترم برای تسلیت در فاجعه عظیمه واردہ بر اسلام و مسلمین موجب تشکر گردید. حمله کماندوها و مأمورین انتظامی دولت باللباس مبدل و معیت و پشتیبانی پاسبانها به مرکز روحانیت خاطرات مغول را تجدید کرد... بجهه‌های ۱۶ - ۱۷ ساله را از پشت یام پرت کردند، کتابها و قرآن‌ها را پاره کردند. اکنون طلاب و روحانیون در این شهر مذهبی تأمین جانی ندارند... مأمورین تهدید می‌کنند که سایر مدارس را بصورت فیضیه درمی‌آوریم... اینان با شعار شاهدostی به

۱ - سید جلال الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، تهران، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱، جلد دوم، ص ۱۳ - ۱۲.

مقدسات مذهبی اهانت میکنند، شاهدوستی یعنی غارتگری، هتك اسلام، تجاوز به حقوق مسلمین، تجاوز به مراکز علم و دانش. شاهدوستی یعنی ضربه زدن به پیکر قرآن و اسلام، سوزاندن نشانه‌های اسلام... شاهدوستی یعنی تجاوز به احکام اسلام و تبدیل احکام قرآن کریم، شاهدوستی یعنی کوبیدن روحانیت و اضمحلال آثار رسالت... اصول اسلام در معرض خطر است. قرآن و مذهب در مخاطره است با این احتمال تقیه حرام است و اظهار حقایق واجب (ولو بلغ ما بلغ) اکنون که مرجع صلاحیتداری برای شکایت در ایران نیست و اداره این مملکت بطور جنونآمیز در جریان است من به نام ملت از آقای علم شاغل نخست وزیری استیضاح میکنم با چه مجوز قانونی در دو ماه قبل حمله به بازار تهران کردید و علماء اعلام و سایر مسلمین را مصدوم و مضروب نمودید؟ با چه مجوز قانونی علماء و سایر طبقات را به حبس کشیدید که جمع کثیری اکنون نیز در حبس بسر می‌برند؟ با چه مجوز بودجه مملکت را خرج رفاندم معلوم الحال کردید؟ در صورتیکه رفاندم از شخص شاه بود بحمد الله ایشان از غنی ترین افراد بشر هستند.... با چه مجوز بازار قم را غارت کردید، طلب را کتک زدید آنها را به حبس کشیدید، با چه مجوز در روز وفات امام صادق سلام الله علیه کماندوها و مأمورین انتظامی را با لباس مبدل و حال غیر عادی به مدرسه فیضیه فرستاده و این همه فجایع را انجام دادید؟ من اکنون قلب خود را برای سرنیزه‌های مأمورین شما حاضر کردم ولی برای قبول زورگوئیها و خضوع در مقابل جباریهای شما حاضر نخواهم بود...^(۱) روح الله الموسوی الخمینی اگرچه بررسی تأثیرات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی رفاندم ۴۱

از موضوع این بحث خارج است اما در مجموع می‌توان بدین نتیجه رسید که در اجرای این همه‌پرسی ۲ دسته عوامل نقش عمده و اساسی داشتند:

الف: دلایل داخلی: ۱- وضعیت نابسامان و خطرناک اجتماعی و اقتصادی که شاه را واداشت برای ثبیت قدرت خود سلسله‌ای از اصلاحات اجتماعی و سیاسی را به مرحله اجرا بگذارد. اجرای اصلاحات ارضی گامی بود که میتوانست قشرهای روستائی را از سلطه مالکان خارج کند و بتدریج تحت کنترل دولت درآورد و در نتیجه توسعه بیشتر قدرت دولت مرکزی را در مناطق روستائی مستقر سازد.^(۱)

۲- اجرای اصلاحات ارضی میتوانست موافقت و همراهی انکار عمومی را بمنع شاه جلب نماید و در نتیجه از این رهگذر ناسیونالیست‌ها و اپوزیسیون در موضع دشواری قرار میگرفتند زیرا علیرغم اینکه با اصلاحات موافق بودند اما به دلیل مخالفت با شاه ناچار بودند با آن مخالفت کنند و در نتیجه در موضع انفعال قرار می‌گرفتند.^(۲)

۳- اجرای اصلاحات به شاه امکان میداد که خود را بعنوان رهبری اصلاح طلب و قدرتمند و مترقبی به غرب بشناساند.

۴- در سال ۱۳۴۱ در شرایطی که هر دو مجلس تعطیل بود (مجلس ۲۰ منحل شده و انتخابات مجلس ۲۱ برگزار نشده بود) و در نتیجه برخلاف نص صریح اصل هفتم متمم قانون اساسی که اساس مشروطیت را جزوً و کلاً تعطیل بردار نمیداند رفاندم برگزار گردید

۱- آوری، پیشین ص ۱۹۲

۲- کاتم، پیشین، ص ۳۹۳

بویژه اینکه اصل ۴۸ نیز شاه را ملزم می‌نمود که پس از انحلال مجلس ظرف سه ماه مجلس جدید را منعقد نماید.

ب: دلایل خارجی: ۱- با توجه به بروز بحرانهای سیاسی و اجتماعی در کشورهای جهان سوم، ضرورت تغییر، استراتژی جدیدی بود که سیاستمداران امریکا در جهان سوم در پیش گرفتند. کندي از ابتدای ورود خود به کاخ سفید بعنوان رئیس جمهور امریکا در ۱۹۶۰ استراتژی جدیدی را با عنوان پاسخ انعطاف‌پذیر مطرح نموده و به اجرا گذاشت. از نظر کندي اتکای بیش از حد به نیروهای هسته‌ای و تلاش آشکار و پنهان در به قدرت رساندن دولتهای دست نشانده در جهان سوم توانائی و قابلیت خود را در جلوگیری از نفوذ کمونیسم و بحران‌های سیاسی جهان سوم از دست داده بود از این‌رو او تلاش کرد با کاهش کمک‌های نظامی، ضرورت انجام اصلاحات اقتصادی و سیاسی را در جهان سوم مورد تأکید قرار دهد و با توجه به بی‌ثباتی سالهای دهه ۳۰ و ابتدای دهه ۴۰ کمک به حکومت ایران برای انجام اصلاحات از الوبیت خاصی در سیاست‌های امریکا نسبت به ایران برخوردار است که باعث می‌شود تغییرات اساسی در ساخت اقتصادی و اجتماعی ایران حاصل شود بدون اینکه ساختار سیاسی تغییر یابد.^(۱)

۲- در فاصله بین سالهای ۱۳۴۰-۴۳ که جامعه با بی‌ثباتی، اغتشاشات و قیامهای مردمی علیه حکومت رویرو بود دولت شوروی تحت تأثیر دو عامل تشنج زدائی با امریکا پس از بحران موشکی کوبا و روابط حسن‌های که با دولت ایران برقرار نموده است، در مقابل حوادث ایران سیاست سکوت یا حمایت از اقدامات دولت

۱- از غندی، پیشین، ص ۲۸۱ - ۲۸۰.

را پیشه نمود، بخصوص پس از برگزاری رفراندم و اعلام برنامه‌های اصلاحی شاه این برنامه‌ها را مورد ستایش قرار داده و مخالفان را بعنوان نیروهای ارتقاضی ملاکین و پاسدار نظام فئodalی ارزیابی نمود.^(۱)

در مقایسه‌ای اجمالی، بین دو رفراندم ۱۳۳۲^۱ و ۱۳۴۱ نکات زیر قابل اعتنایست:

علیرغم رفراندم ۱۳۳۲ که نقش تسهیل کننده در سقوط دولت دکتر مصدق دارد، رفراندم ۱۳۴۱ باعث ثبیت قدرت و استیداد شاه میگردد. هر دو رفراندم در شرایطی برگزار میگردد که عوامل و دلایل سیاسی نقش اساسی در برگزاری آن دارد. اگرچه در هر دو رفراندم برگزار شده تصمیم‌گیران به حق برگزاری آن استناد می‌نمایند در حالیکه در قانون اساسی نص صریحی در مورد استفاده از آن وجود ندارد و عوامل و شرایط سیاسی بیش از عامل حقوقی در انجام آن نقش دارد و هدف عمدۀ رفراندم ۳۲ مشروعیت بخشیدن به اقتدار و هدف اساسی رفراندم ۴۱ ثبیت اقتدار از نظر تصمیم‌گیران است.

حمایت نیروهای خارجی از برنامه اصلاحات شاه در ۱۳۴۱ در مقایسه با موضع‌گیری این نیروها در رفراندم ۱۳۳۲ بخوبی نقش حمایت خارجی را در موقوفیت یا عدم موفقیت این دو رفراندم آشکار می‌کند.

۱ - از غندی، پیشین، ص ۲۶۷ - ۲۶۶.

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info

رفراندم پس از انقلاب اسلامی

فصل سوم

مکش به تبرستان
www.tabarestan.info

رفراندم و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

برخلاف قانون اساسی مشروطه که در آن هیچ اشارتی به همه پرسی نرفته بود، در بسیاری از اصول دومین قانون اساسی ایران که خود از طریق ارجاع به همه پرسی به تصویب نهائی رسید، همه پرسی و ارجاع امر به مردم مبنای تصویب یا تأیید بعضی از امور قرارداده شده است. قبل از تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی، تقریباً پنجاه روز پس از پیروزی انقلاب تعیین نوع حکومت از طریق مراجعته به همه پرسی در معرض آرای همگان قرار گرفت و در روزهای ۱۰ و ۱۱ فروردین ۱۳۵۸ تغییر رژیم از پادشاهی به جمهوری اسلامی مورد پرسش مردم قرار گرفت. فضای خاص پس از پیروزی انقلاب و دیدگاههای متفاوت و گوناگونی که از جانب سازمانها و گروههای سیاسی در مورد نوع حکومت عنوان میشد از دلایل عمدۀ برگزاری این همه پرسی بود. نتیجه این رفراندم با ۹۸٪ آراء پذیرش نظام جمهوری اسلامی بود که این مطلب در اصل اول قانون اساسی

جمهوری اسلامی نیز تصریح شده است.^(۱)

در ششم فروردین ۱۳۵۸ شورای انقلاب با تصویب ماده واحده‌ای سن رأی دهنگان را به ۱۶ سال تقلیل داد و این امر موجب افزایش تعداد شرکت‌کنندگان در همه پرسی شد. متن مصوبه شورای انقلاب به شرح زیر است:

ماده واحده - بمنظور مشارکت ملت، بجز مدنی شکل حکومت ایران، شرط سنی رأی دهنگان در رفراندم انقلاب اسلامی ایران ۱۶ سال (متولدین قبل از ۱۳۴۲) خواهد بود.

نکته قابل توجهی که مخالفان در مخالفت با این همه پرسی عنوان می‌نمودند این بود که مردم شناختی از جمهوری اسلامی نداشته و نمیدانند که چگونه حکومتی است تا به آن رأی دهند و قبل از چنین حکومتی وجود نداشته و تجربه‌ای در این زمینه نیست و یا شاید عده‌ای از مردم به نوع حکومتی غیر از این نوع تمایل داشته باشند. پرسش این رفراندم عبارت بود از: جمهوری اسلامی؟ آری یا نه، که پاسخ منفی به سئوال بمنزله تمایل به انواع دیگر حکومت یا جمهوری تلقی می‌شود و اگر میزان پاسخهای منفی بر پاسخ مثبت فزونی داشت می‌باشد از رفراندم دیگری استفاده می‌شود.^(۲) از کل آرای مأخوذه ۲۰۴۳۹۹۰۸ رأی، تعداد ۲۰۲۸۶۳۵۳ رأی مثبت و

۱ - اصل اول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران بر اساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت و عدل قرآن، در پی انقلاب پیروزمند خود به رهبری مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی در همه پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی برابر با اول و دوم جمادی الاول سال یکهزار و سیصد و نود و نه هجری قمری با اکثریت ۹۸٪/ کلیه کسانی که حق رأی داشتند به آن رأی مثبت داد.

۲ - مدنی، پیشین، ص ۳۹.

۱۵۳۵۵۵ رأی منفي بوده است.

آراء منفي		آراء مثبت		آراء مأخوذة		شرح
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۰۰	۱۵۳۵۵۵	۱۰۰	۲۰۲۸۶۳۵۳	۱۰۰	۲۰۴۳۹۹۰۸	جمع کل
۹۱/۹	۱۴۱۱۱۱	۹۹/۴	۲۰۱۶۸۲۸۴	۹۹/۴	۲۰۳۰۹۳۹۵	داخل کشور
۸/۱	۱۲۲۴۳	۰/۶	۱۷۰۶۹	۰/۶	۱۳۰۵۱۳	خارج از کشور

نتایج کلی همه‌پرسی تغییر رژیم، منبع: انتخابات در جمهوری اسلامی ایران، نتایج همه‌پرسی‌ها - وزارت کشور - معاونت سیاسی و اجتماعی - دفتر انتخابات ۱۰ - ۱۳۷۳-

در ۱۴ تیرماه ۱۳۵۸ شورای انقلاب قانون انتخابات مربوط به مجلس بررسی نهائی قانون اساسی را در ۸ فصل و ۴۱ ماده تصویب کرد و بر اساس آن هفتاد و سه نفر عضو مجلس بررسی نهائی قانون اساسی با رأی مستقیم و مخفی مردم انتخاب شدند. این انتخابات در ۱۲ مرداد ۱۳۵۸ صورت گرفت و مجلس خبرگان در ۲۸ مرداد ۵۸ افتتاح شد و در ۲۴ آبان ۱۳۵۸ پس از انجام وظیفه در شصت و هفت جلسه عمومی علنی که اصول تهیه و تنظیم شده در کمیسیون‌ها را در معرض رسیدگی و رأی‌گیری قرار میداد بکار خود خاتمه داد. تصویب نهائی قانون اساسی مصوب خبرگان بر عهده ملت بود، همه‌پرسی تصویب قانون اساسی مصوب خبرگان در ۱۱ و ۱۲ آذر ۱۳۵۸ انجام و نتیجه آن با ۹۹٪ آراء مثبت بشرح زیر اعلام شد:^(۱)

۱- در راهنمای استفاده از صورت مشروح مذکرات بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ ص ۳۰۷ آمار زیر ارائه شده است: از مجموع ۱۵۷۵۸۹۵۶ رأی اخذ شده تعداد ۱۵۶۸۰۳۳۹ رأی موافق و ۱۱ رأی باطله و ۷۸۵۱۶ رأی مخالف بوده است.

آراء منفی	آراء مثبت	جمع کل کشور
۷۶۲۲۷	۱۵۶۱۳۹۱۵	۱۵۶۹۰۱۴۲

همه پرسی تأیید نهایی قانون اساسی - منبع پیشین - ص ۴۱

همه پرسی تأیید نهایی قانون اساسی مصوب مجلس خبرگان
تصویب دو پرسش انجام گرفت:

- ۱- با اصول قانون اساسی مصوب خبرگان موافقت دارید؟ آری.
 - ۲- با اصول قانون اساسی مصوب خبرگان موافقت دارید؟ نه.
- پرسش به تبریز www.tabarestan.info
- اول برنگ سبز و پرسش دوم به رنگ قرمز چاپ شده بود با این استدلال که همه افراد اعم از باسوان و بی‌سواد بتوانند شخصاً اظهار نظر کنند و نیازی به مراجعته به افراد باسوان نداشته باشند. در این همه پرسی حدود هیجده هزار شعبه اخذ رأی برای تمام کشور پیش‌بینی شده بود. نکته‌ای که در مورد این همه پرسی با توجه به موضوع مورد نظرخواهی مطرح بود این مسئله بود که اگر اشخاص با یک یا چند اصل موافق نباشند چه باید کرد؟ در چنین مواردی با توجه به اینکه امر تصویب با رأی دادن همه صورت می‌گیرد استدلال می‌گردد که رأی اکثریت مناطق اعتبار می‌باشد.

لایحه قانونی همه پرسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در ۱۳۵۸/۸/۲۰ به تصویب شورای انقلاب رسیده و جهت اجرا به وزرات کشور ابلاغ گردید.^(۱)

۱- لایحه قانونی همه پرسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: فصل اول - کلیات:
ماده ۱- بمنظور اظهارنظر نهایی درباره متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که تصویب مجلس بررسی نهایی قانون اساسی رسیده است، برنامه همه پرسی از آحاد ملت ایران مطابق

در ششم مرداد ۱۳۶۸ نظر به ضرورت تغییراتی در قانون اساسی بعضی از موارد مورد بازنگری قرار گفته و تصویب اصلاحات پیشنهادی به همه پرسی گذاشته شد:

مقررات این قانون انجام می‌گیرد به نحوی که همه اشاره جامعه با آزادی کامل نظر خود را به یکی از دو حالت زیر به صورت رأی مخفی اعلام نمایند: الف - با اصول قانون اساسی مصوب مجلس بررسی نهائی قانون اساسی (مجلس خبرگان) موافقت دارید؟ آری. ب - با اصول قانون اساسی مصوب مجلس بررسی نهائی قانون اساسی (مجلس خبرگان) موافقت دارید؟ نه.

ماده ۲- برنامه همه پرسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عمومی و اخذ رأی به صورت مستقیم و مخفی خواهد بود و هیچکس نمیتواند بیش از یکبار رأی دهد.

ماده ۳- اخذ رأی در مدت دو روز (هر روز حداقل ۱۰ ساعت) در تمام کشور یک‌زمان انجام میشود. وزارت کشور ضمن صدور دستور شروع همه پرسی تاریخ اخذ رأی را تعیین و به حوزه‌های انتخاباتی اعلام خواهد کرد.

تصریه - ایرانیان مقیم خارج از کشور از طریق سفارتخانه‌ها و کنسول‌گریها و نمایندگی‌های رسمی در این همه پرسی شرکت خواهند نمود.

ماده ۴- رأی دهنگان باید دارای شرایط زیر باشند:

۱- تابعیت ایران. ۲- ۴- داشتن حداقل ۱۶ سال تمام. ۳- عدم محرومیت از حقوق اجتماعی.

فصل دوم - انجمن نظارت:

ماده ۵- در مرکز هر شهرستان با دستور وزارت کشور هیئت اجرائی رفراندم به ریاست فرماندار (یا سرپرست) و عضویت بالاترین مقام دادگستری محل - مدیرکل یا رئیس آموزش و پرورش - مدیرکل یا رئیس ثبت احوال و پنج نفر از معتمدان محل به انتخاب اشخاص مذکور تشکیل میشود.

تصریه ۱- در غیاب یا استعفای هر یک از اعضای هیئت اجرائی رفراندم، فرماندار از جانشین با رؤسای سایر ادارات محل یا معتمدان محل دعوت بعمل می‌آورد و عدم حضور بیش از دو جلسه متوالی اعضا بمنزله استعفای تلقی میشود.

ماده ۶- هیئت اجرائی رفراندم در اولین جلسه نسبت به تعیین ۲۵ نفر از مردم طبقات مختلف حوزه شهرستان که دارای شرایط رأی دهنده باشند اقدام می‌نماید و فرماندار متعاقباً برای تشکیل انجمن نظارت رفراندم از آنان دعوت بعمل می‌آورد.

باطله مأنوذه	آراء منفی			آراء مثبت			کل آراء مأذونه	
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
۲۰	۳۲۵۹۳	۲/۴۳	۳۹۷۳۹۱	۹۷/۳۷	۱۰۹۰۰۹۱۶	۹۹/۷۴	۱۹۳۲۸۵۹۰۱	داخل کشور
۹۰	۲۵۷	۲/۴۳	۱۰۴۹	۹۶/۹۷	۴۱۷۹۹	۹۶/۰	۴۳۰۷۵	خارج کشور
۲۰	۳۲۸۵۱	۲/۴۳	۳۹۸۴۴۰	۹۷/۳۷	۱۰۹۹۷۶۸۵	۱۰۰	۱۹۴۲۸۲۸۹۷۶	جمع کل

منبع: پیشین، ص ۱۶

همانگونه که پیشتر اشاره شد، در بسیاری از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی که خود از طریق ارجاع به همه پرسی به تصویب نهائی رسید به همه پرسی اشاره شده و مبنای تصویب یا تأیید بعضی از امور را ارجاع امر به مردم و تصویب از طریق همه پرسی قرار داده و

ماده ۷- پس از حضور دو سوم دعوت شدگان (۱۷ نفر) هر ای مخفی و راکبریت نسبی از بین آنان یا از خارج ۷ نفر بعنوان عضو اصلی انجمن نظارت مرکزی و ۳ نفر بعنوان عضو علی البدل انتخاب می‌شوند. اعضای اصلی انجمن نظارت مرکزی از بین خود یک رئیس - یک نایب رئیس و سه منشی انتخاب می‌نمایند.

ماده ۸- انجمن نظارت مرکزی در اولین جلسه نسبت به تشکیل انجمنهای نظارت فرعی در بخش‌های تابع شهرستان توسط فرماندار اقدام می‌نماید.

ماده ۹- بخشداران تابع شهرستان بمحض وصول دستور فرماندار برای تشکیل انجمن نظارت فرعی مطابق مقررات مواد ۵ و ۶ و ۷ این قانون اقدام می‌نمایند.

ماده ۱۰- انجمنهای نظارت مرکزی و فرعی رفراندم مکلفند بدون وقفه نسبت به تعیین محل شعب ثبت نام و اخذ رای به تعداد کافی و همچنین اعضای شعب رفراندم شامل ۵ نفر مرکب از یک روحانی - یک کارگر یا کشاورز یک فرهنگی یا دانشگاهی - یک فنرماز اصناف یا پیشه‌وران و یک خانم خانه‌دار اقدام نمایند.

تبصره- برگزاری رفراندم در بخش مرکزی شهرستان بعده انجمن نظارت مرکزی می‌باشد.

ماده ۱۱- انجمن نظارت رفراندم قانون اساسی غیرقابل تغییر و انحلال می‌باشد مگر در صورتیکه موجبات تعطیل یا تعویق برنامه همه پرسی را فراهم نماید. در اینصورت فرماندار یا بخشدار با تصویب هیئت اجرائی نسبت به تعیین جانشین یا تعجیل اعضا آن انجمن اقدام می‌نمایند.

فصل سوم - اخذ رأی رفراندم

ماده ۱۲- انجمنهای نظارت رفراندم باید یک‌هاسته قبل از روز همه پرسی آنکه انجام رفراندم حاوی محل شعب ثبت نام و اخذ رأی و اوقات اخذ رأی را در تمام حوزه شهرستان منتشر نمایند.

ماده ۱۳- هرگاه برای ثبت نام و اخذ رأی در مناطق شهری و روستائی یا کوهستانی تشکیل شعب ثابت مقدور نباشد انجمنهای نظارت میتوانند شعب سیار در نواحی مورد نظر تعیین نمایند.

ماده ۱۴- برگهای رفراندم شامل چهار قسم است: قسمت اول و دوم که تعریف انتخابات محسوب خواهد شد و روی آنها محل ثبت مشخصات رأی دهنده و محل حوزه رفراندم چاپ شده است. قسمت سوم و چهارم ورقه رأی محسوب خواهد شد. قسمت اول هنگام

در حقیقت همه پرسی یکی از شیوه‌های اعمال قوه مقننه قلمداد شده است. اصل ششم قانون اساسی اولین اصلی است که اداره امور کشور را متكی به آرای عمومی دانسته است: "...کشور باید به اتکاء آرای عمومی اداره شود از راه انتخابات: انتخابات رئیس جمهور،

ثبت نام رأی دهنده در دفتر شعب رفراندم باقی میماند و قسمت دوم سوم و چهارم به مقاضیان شرکت در همه پرسی تسلیم خواهد شد. رأی دهنگان رفراندم قسمت دوم برگ رفراندم را هنگام اخذ رأی از محل پر فراز جدا نموده تسلیم انجمن نظارت می‌نمایند. قسمت سوم و چهارم که نمایانگر نظر رأی دهنده در موافقت با مخالفت با متن قانون اساسی می‌باشد بنا به تشخیص صاحب رأی از محل پر فراز جدا شده و توسط خود او داخل صندوق رأی قرار می‌گیرد.

ماده ۱۵- صدور برگ رفراندم فقط در قبال ارائه شناسنامه به مقاضیان تسلیم میشود و ترتیب ثبت نام و اخذ رأی و قرائت آراء مطابق دستور العملی خواهد بود که توسط وزارت کشور تهیه و ابلاغ خواهد شد.

ماده ۱۶- مستویت نگاهداری و حفاظت کلیه لوازم و اوراق رفراندم و صندوقهای اخذ رأی با نمایندگان فرمانداری و بخشداری خواهد بود.

ماده ۱۷- حفظ نظم در انجمن نظارت مرکزی و فرعی با رئیس و در غیاب با نایب رئیس و حفظ انتظامات در نواحی شعب ثبت نام و اخذ رأی با مأمورین انتظامی (مأمورین شهریانی - ژاندارمری - پاسداران انقلاب) می‌باشد.

فصل چهارم - شکایات - مقررات جزائی و متفرقه

ماده ۱۸- انجمنهای نظارات مرکزی رفراندم تا دو روز پس از ختم اخذ رأی رفراندم شکایات و اعتراضات واصله را می‌پذیرند و متعاقباً طرف سه روز به آنها رسیدگی نموده و نظر خود را توسط فرماندار به اطلاع هیئت اجرائی رفراندم میرسانند.

ماده ۱۹- در صورتیکه پس از رسیدگی به شکایات، انجمن نظارت مرکزی یا هیئت اجرائی رفراندم تشخیص دهد که امور ثبت نام و اخذ رأی رفراندم در یک یا چند شعبه بطور صحیح انجام نشده است با اعلام نظر هیئت اجرائی رفراندم، همه پرسی همان شعب باطل می‌شود. نظر هیئت اجرائی رفراندم در کلیه مواردیکه مورد رسیدگی قرار میدهد قطعی خواهد بود.

ماده ۲۰- هر کس برگ رفراندم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را بخرد یا بفروشد و یا در اوراق تعریف رفراندم تقلب نماید و یا در امر همه پرسی اخلاق نماید و یا تقلب و تزویر و خیانت نماید و یا به تهدید و تطمیع متول شود و یا با شناسنامه متعلق به دیگری یا شناسنامه مجعلو با علم به جعلیت آن برگ رفراندم بگیرد و رأی بدهد علاوه بر محرومیت از

نمايندگان مجلس شورای اسلامی اعضای شوراها و نظایر اينها يا از راه همه پرسی در مواردی که در اصول ديگر اين قانون معين ميگردد." بدین ترتیب برای اداره امور کشور دو شیوه دمکراسی مستقیم و غیرمستقیم هر دو مد نظر قرار گرفته است، بویژه در مسائل مهم و حیاتی، که اعمال حق قوه مقننه را، از طریق همه پرسی یعنی دمکراسی مستقیم مقدور دانسته است.

در اصل پنجاه و نهم قانون اساسی ذکر شده است: " در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه پرسی و مراجعته مستقیم به آراء مردم صورت گیرد. درخواست مراجعته به آرای عمومی باید به تصویب مجمعه نمايندگان مجلس برسد." دو نکته بسیار مهم در مورد این اصل قابل تأمل می باشد، اول اینکه محدوده و شاخص اهمیت مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی تعیین نشده است، دوم اینکه با عنایت به موارد ذکر شده در این اصل یعنی مسائل اقتصادی، سیاسی ... میتوان نتیجه گرفت که کلیه مسائل مطرح در

حقوق اجتماعی به حبس جنحه از شش ماه الى سه سال و به جزای نقدی از ۵۰۰۱ تا ۵۰۰۰۰ ریال و یا به يکی از دو مجازات مذکور محکوم میشود.

ماده ۲۱- وزارت کشور مأمور اجرای این قانون و ناظر بر حسن جریان همه پرسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می باشد.

ماده ۲۲- بمنظور انجام هزینه هاینکه برای برگزاری برنامه همه پرسی قانون اساسی لازم است مبلغ دویست میلیون ریال اختصاص داده میشود که بنا به فوریت امر بدون رعایت قانون محاسبات عمومی و تشریفات دست و پاگیر بهر نحو که ستاد مرکزی انتخابات کشور مصلحت میداند با گواهی وزیر کشور هزینه بحساب قطعی منظور دارد.

در جلسه بیست آبانماه پنجاه و هشت شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران تصویب گردید. شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران

جامعه در صورتیکه بسیار مهم تلقی شوند قابل ارجاع به امرهمه پرسی هستند در حالیکه مفهوم مهم تعریف نشده و از معیارها یا شاخصهای آن نیز ذکری نرفته است.

در اصل نود و نهم قانون اساسی مرجع ناظر بر مراجعته به آرای عمومی و همه پرسی، شورای نگهبان تعیین شده است: "شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعته به آراء عمومی و همه پرسی را بر عهده دارد."

در بند ۳ اصل یکصد و دهم قانون اساسی صدور فرمان همه پرسی از وظایف و اختیارات رهبر ذکر شده است و در اصل یکصد و یازده پیش‌بینی شده که در صورت برکناری، کناره‌گیری یا عزل رهبر شورائی مرکب از رئیس جمهور، رئیس قوه قضائیه و یکی از فقهای شورای نگهبان برای انجام وظایف رهبری تشکیل میشود که این شورا میتواند در مورد صدور فرمان همه پرسی (بند ۳ اصل ۱۱۰ قانون اساسی) اقدام کند و اصل یکصد و بیست و سوم نیز رئیس جمهور را موظف دانسته است که مصوبات مجلس یا نتیجه همه پرسی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی امضاء کند و در اختیار مسئولان گذارد.

اصل یکصد و سی و دوم نیز تصریح دارد بر اینکه: در مدتی که اختیارات و مسئولیت‌های رئیس جمهور بر عهده معاون اول یا فرد دیگری است که به موجب اصل یکصد و سی و یکم منصوب میگردد، وزرا را نمیتوان استیضاح کرد یا به آنان رأی عدم اعتماد داد و نیز نمیتوان برای تجدید نظر در قانون اساسی و یا امر همه پرسی اقدام نمود.

در اصل یکصد و هفتاد و هفتم نحوه بازنگری در قانون اساسی
شرح زیر مقرر شده است: "بازنگری در قانون اساسی جمهوری
اسلامی ایران در موارد ضروری به ترتیب زیر انجام میگردد: مقام
رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام طی حکمی
خطاب به رئیس جمهور موارد اصلاح یا تغییر قانون اساسی را به
شورای بازنگری قانون اساسی با ترکیب زیر پیشنهاد می نماید: ۱-
اعضای شورای نگهبان. ۲- رؤسای قوای سه گانه^(۱). ۳- اعضای ثابت
مجمع تشخیص مصلحت نظام. ۴- پنج نفر از اعضای مجلس خبرگان
رهبری. ۵- ده نفر به انتخاب مقام رهبری. ۶- سه نفر از هیئت وزیران.
۷- سه نفر از قوه قضائیه. ۸- ده نفر از نمایندگان مجلس شورای
اسلامی. ۹- سه نفر از دانشگاهیان. شیوه کار و کیفیت انتخاب و
شرایط آن را قانون معین میکند. مصوبات شورا پس از تأیید و امضای
مقام رهبری باید از طریق مراجعته به آراء عمومی به تصویب اکثریت
مطلق شرکت کنندگان در همه پرسی برسد. رعایت ذیل اصل پنجاه و
نهم در مورد همه پرسی "بازنگری در قانون اساسی" لازم نیست.^(۱)
محتوی اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتنای کلیه قوانین و
مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه های ایمانی و اهداف
جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و
امامت امت و نیز اداره کشور با اتكا به آراء عمومی و دین و مذهب
رسمی ایران تغییرناپذیر است."

۱- مقصود از قسمت اخیر اصل پنجاه و نهم جمله: "... درخواست مراجعته به آراء عمومی
باید به تصویب دو سوم مجمع نمایندگان مجلس برسد" می باشد.

کتابنامه

منابع به زبان فارسی:

الف: کتابها

- ۱- ابراهامیان، برواند، ایران بین دو انقلاب، کاظم فیروزمندوی بیگران، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۷.
- ۲- ارسسطو، اصول حکومت آتن، باستانی پاریزی، تهران، انتشارات حبیبی، ۱۳۷۰.
- ۳- ازغندی، علیرضا، روابط خارجی ایران، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۶.
- ۴- آشوری، داریوش، فرهنگ سیاسی، تهران، مروارید، ۱۳۵۴.
- ۵- آقابخشی، علی، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، تندر، ۱۳۶۳.
- ۶- انتخابات در جمهوری اسلامی ایران، نتایج همه پرسی‌ها، وزارت کشور، معاونت سیاسی و اجتماعی دفتر انتخابات ۱۳۷۳.
- ۷- آوری، پیتر، تاریخ معاصر ایران از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ تا اصلاحات ارضی، محمد رفیعی مهرآبادی - تهران عطائی، ۱۳۷۱.
- ۸- ایوانف، م. س، تایخ نوین ایران، هوشنگ تیزابی و حسن قائم پناه، تهران، بی‌نا، ۱۳۵۶.
- ۹- بیتهام، دیوید - بویل، کوین، دمکراسی چیست، شهرام نقش تبریزی، تهران ققنوس، ۱۳۷۶.
- ۱۰- بیل جیمز - راجر لوئیس، ویلیام، مصدق نفت ناسیونالیسم ایرانی، عبدالرضا هوشنگ مهدوی، کاوه بیات تهران، نشر گفتار، ۱۳۷۲.

- ۱۱- پللو، رویر، شهروند و دولت، ابوالفضل قاضی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
- ۱۲- تحولات سیاسی از زیستکار دستان تا فرانسوسومیتران، ناصر موقیان، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی ۱۳۶۹.
- ۱۳- جانسون، گلن، اعلامیه جهانی حقوق بشر و تاریخچه آن، محمد جعفر پویند، تهران، نشرنی، ۱۳۷۷
- ۱۴- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، بنیاد راستاد، ۱۳۶۳
- ۱۵- دورانت، ویل، تاریخ تمدن، امیرحسین آریانپور و دیگران، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶
- ۱۶- سفری، محمد علی، قلم و سیاست، تهران - نشر نامک - ۱۳۷۱
- ۱۷- شومپیتر، جی. ا. کاپیتالیسم، سوسیالیسم و دمکراسی، حسن منصور، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۴
- ۱۸- عظیمی، فخر الدین، بحران دمکراسی در ایران، عبدالرضا هوشنگ مهدوی بیژن نوذری، تهران نشر البرز - ۱۳۷۴
- ۱۹- قاضی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲
- ۲۰- کاتم، ریچارد، ناسیونالیسم در ایران، احمد تدین، تهران، نشر کویر، ۱۳۷۱
- ۲۱- کاتوزیان، محمد علی (همایون) اقتصاد سیاسی ایران، محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۲
- ۲۲- کاتوزیان، محمد علی (همایون) مصدق و مبارزه برای قدرت، فرزانه طاهری، تهران، نشر مرکز ۱۳۷۰

- ۲۳- کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران، شرکت انتشار ۱۳۷۴.
- ۲۴- کرنستون، موریس، تحلیلی نوین از آزادی، جلال الدین اعلم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۰.
- ۲۵- کوهن، کارل، دمکراسی، فریبرز مجیدی، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۳.
- ۲۶- گازیوروسکی، مارک، ج. سیاست خارجی امریکا و شاه، جمشید زنگنه، تهران - رسای ۱۳۷۱.
- ۲۷- گذشته چراغ راه آینده، جامی، تهران، بی تا.
- ۲۸- مدنی، سید جلال الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، تهران،
- ۲۹- موسکا، گائنانو ویوتو، گاستون، تاریخ عقاید و مکتب‌های سیاسی از عهد باستان تا امروز، امیرحسین شهیدزاده، تهران، مروارید، ۱۳۶۳.
- ۳۰- هلد، دیوید، مدل‌های دمکراسی، عباس منجر، تهران، انتشارات روشنگران، ۱۳۶۹.
- ۳۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- ۳۲- راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات بررسی نهائی قانون اساسی ایران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۶۸

ب - نشریات:

اطلاعات:

باخته امروز:

منابع لاتين:

1. Black, Henry Campbell, M.A. Blac's law Dictionary (westpoblishing Co., Minnesota) 1983.
2. Robertson, David, the penguin Dictionary of Politics (London, Penguin Books) 1988.
3. Battelli, Maurice, Les Institutions de Democratie Directe, (Librairie de Recueil sirey, Paris) 1932.
4. Duval; H, Mindu. P, Re ferendum et plebiscite (Armand colin, Paris) 1970.

در رژیمهای دمکراتی و مردم سلار مردم معنوان صاحبان اصل حق حاکمیت
بر سر تنشت خویش، مرجع تشخیص و تنقیب مشروعت تلقی میگردند و رعایت نظر
و عقیده اراده عمومی در اعمال حاکمیت از شرط استمرار و تداوم قبور در دست
هیئت حاکم منتخب مردم بشاره میباشد و از اینرویست که هر آنچه به اراده مردم
(از فرماندها و نظر خواهی از آنها) در موقع زیر از اهمیت دیره‌ای برهخوردار است.

در تاریخ ایران نه در قانون اساسی مشروطه (۱۲۸۵) و نه در متن آن هیچ
اشارة‌ای به ملت بعنوان مرجع مستقیم اعمال حق حاکمیت یا مردم‌خواش نسبت
به سرویشت خود نشده است اما علیرغم این موضوع در ^{۲۴}قطعه تاریخی ^{۱۹}تبرستان
و ۱۲۶۱ مردم مورد نظر خواهی واقع میشوند.

نویسنده در اینجا کتابی پس از بودی، پیشته تاریخی و اینداد مختلف
و فرازدوم، به تحلیل دوره اسلام برگزار شده در مذاطع سالیانی ۳۶ و ۳۷ برداشت
در ایران پیر امداده‌ای کوچک به همت رفاه نمود در قانون اساسی جمهوری اسلامی
و رفاه اسلامی پس از مذاطع اسلامی دارد.